

Opportunities and Strategies for Cultural Diplomacy of the Islamic Republic of Iran in the African Continent from the Perspective of the Supreme Leader (Mudhazlah al-Ali)

Majid Rasouli. Assistant Professor, Department of Geopolitics, Center for African Studies, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. (Corresponding author) Email: m.rasouli@modares.ac.ir

Rouhollah Basri. Master's Graduate in International Relations, Ahlul Bayt International University, Tehran, Iran. Email: baserirouhollah@gmail.com

Extended Abstract

Introduction: Since the victory of the Islamic Revolution, Africa has occupied a distinct and strategic position in the foreign policy of the Islamic Republic of Iran, a priority consistently emphasized in the statements and directives of the Supreme Leader. As a key dimension of public and cultural diplomacy, cultural relations have been regarded as an important instrument for strengthening Iran's external engagement and expanding cooperation with African countries. Against the backdrop of Africa's growing geopolitical importance, abundant natural and human resources, and shared historical experiences of anti-colonial struggle, the continent offers significant opportunities for enhancing Iran's cultural presence. This study aims to identify and analyze the opportunities and strategic orientations of Iran's cultural diplomacy toward Africa based on the statements and directives of the Supreme Leader, with the objective of explaining the foundations of Iran's cultural engagement on the continent.

Methods: This study adopts a qualitative descriptive-analytical approach. The empirical data consist of the official statements, speeches, messages, and published works of the Supreme Leader related to cultural diplomacy, international relations, and Africa. The theoretical framework is based on Alexander Wendt's constructivist theory, which conceptualizes social structures through three interconnected dimensions: semantic (normative and ideational), interest-based, and material structures. The data were analyzed using thematic analysis to identify recurring themes, concepts, and strategic orientations. Data collection relied on documentary sources, including academic publications, official websites, and the official archive of the Supreme Leader's statements. This methodological approach provides a comprehensive understanding of the ideational and cultural foundations of Iran's approach to Africa.

Findings: The findings indicate that the opportunities for Iran's cultural diplomacy in Africa can be understood across Wendt's three structural dimensions. Within the semantic structure, the most significant opportunities include a shared historical memory of colonialism, common anti-hegemonic narratives, the role of Muslim and transnational civic activism, the favorable perception of Iran and the

discourse of the Islamic Revolution in parts of Africa, strong religious affinities through devotion to the Ahlul Bayt among many African Muslims, and Iran's image as a symbol of resistance and scientific self-reliance.

Within the interest structure, the analysis identifies opportunities for strengthening Muslim solidarity, expanding cooperation among independent states, promoting mutual capacity-building through scientific, technological, and cultural exchanges, utilizing multilateral institutions such as the African Union and the Organization of Islamic Cooperation (OIC), and pursuing shared strategic interests in regional and international affairs.

Within the material structure, Africa's abundant natural resources, youthful population, economic potential, rich civilizational heritage, the presence of Shiite communities in numerous African countries, and the existing network of Iranian educational and cultural institutions constitute important material assets for expanding cultural diplomacy.

Conclusion: The findings suggest that Africa represents a strategically important arena for the Islamic Republic of Iran's cultural diplomacy. Beyond its material resources, the continent provides substantial ideational and cultural opportunities, including shared anti-colonial experiences, justice-oriented narratives, anti-hegemonic perspectives, and religious and cultural affinities. These commonalities provide a favorable foundation for strengthening cultural engagement and expanding bilateral and multilateral cooperation.

From a constructivist perspective, the semantic, interest-based, and material dimensions mutually reinforce the potential for deeper Iran–Africa relations. Existing cultural institutions and educational networks further strengthen the operational capacity of Iran's cultural diplomacy. The study therefore argues that cultural diplomacy constitutes an important complement to political and economic engagement and can contribute to enhancing Iran's soft power and long-term relations with African countries. Overall, the findings support the argument that expanding cultural diplomacy with Africa represents a significant strategic opportunity within Iran's broader foreign policy framework.

Keywords: Cultural Diplomacy, Islamic Revolution, Africa, Opportunity, Strategy, Supreme Leader, Constructivism, Soft Power.

تحلیل محتوای فرصت‌ها و راهبردهای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قاره آفریقا از منظر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)

مجید رسولی^۱، روح‌الله باصری^۲

چکیده

از ابتدای انقلاب اسلامی، قاره آفریقا در سیاست خارجی ایران جایگاه ویژه‌ای داشته و رهبر معظم انقلاب همواره بر آن تأکید داشته‌اند. ایجاد روابط فرهنگی به‌عنوان بخشی از دیپلماسی فرهنگی، ابزاری برای تحقق و حفظ روابط خارجی است و از اولویت‌های دستگاه سیاست خارجی ایران بوده که منجر به همکاری با کشورهای آفریقایی در سطوح مختلف شده است. از این‌رو هدف پژوهش حاضر شناسایی فرصت‌ها و راهبردهای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای فرمایشات مقام معظم رهبری در قاره آفریقا است که به ایران در راستای تبدیل شدن به قدرت تأثیرگذار در آفریقا یاری می‌رساند. یافته‌های تحقیق نشان داد که در بعد ساختار معنایی حاکم بر روابط خاطره استعمار، مقابله با نظام سلطه، تنفر از دولت آمریکا، اهمیت فعالیت مسلمانان و مردم دنیا، محبوبیت و الگو بودن و تأثیر جمهوری اسلامی ایران، پذیرش و استقبال مطلوب کشورهای آفریقایی از گفتمان انقلاب اسلامی در بعد ساختار منافع حاکم بر روابط اتحاد مسلمانان، ایجاد پیمان اسلامی، همکاری کشورهای مستقل با یکدیگر، استفاده از ظرفیت‌های یکدیگر، در بعد ساختار مادی حاکم بر روابط، ثروت غنی و امکانات طبیعی، استعداد انسانی، تمدن و فرهنگ غنی، حضور تعداد زیادی از شیعیان در ۲۷ کشور قاره آفریقا از جمله فرصت‌های ایران در این قاره است. در نهایت می‌توان بیان نمود توسعه روابط دیپلماتیک فرهنگی با قاره آفریقا می‌تواند برافزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در بعد منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تأثیرگذار باشد از این‌رو توجه به این قاره حائز اهمیت بسزایی است.

واژگان کلیدی

دیپلماسی فرهنگی، انقلاب اسلامی، آفریقا، فرصت، راهبرد.

مقدمه

دیپلماسی فرهنگی به‌طور سنتی ابزار راهبردی دولت‌های ملی برای دستیابی به اهداف سیاست خارجی بوده است. دولت‌ها از دیپلماسی فرهنگی برای تسهیل رویدادهای بین‌فرهنگی یا مجموعه‌ای از فعالیت‌های فرهنگی در میان کشورهای مختلف برای دستیابی به اهداف سیاسی یا اقتصادی در عرصه بین‌المللی استفاده کرده‌اند (Grincheva, 2022) همان‌طور که آنگ و همکاران (۲۰۱۵) بیان می‌کنند اصطلاح «دیپلماسی فرهنگی» به‌طور فزاینده‌ای در بحث‌های قدرت نرم در سال‌های اخیر مبهم است (Clarke, 2020) تا جایی که از پدیده روابط فرهنگی بین‌المللی که در اصطلاحات تعریف شده است، غیرقابل تشخیص است. تقویت روابط با آفریقا برای ایران یک ضرورت است، زیرا این قاره دارای ظرفیت‌های گسترده‌ای است که می‌تواند توانمندی‌های ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ایران را تقویت کند. با وجود کاهش توجه به آفریقا در سال‌های اخیر، می‌توان این قاره را بخشی از رویکرد «نگاه به شرق» ایران در کنار روسیه و چین در نظر گرفت. ایران ابتدا باید روابط اقتصادی را محور قرار دهد و سپس روابط فرهنگی را گسترش دهد، زیرا انقلاب اسلامی ایران به دلیل تجربه تلخ استعمار در آفریقا، مورد احترام ملت‌های این قاره است و این اشتراکات ذهنی می‌تواند زمینه گسترش روابط را فراهم کند. بر این اساس، توسعه روابط دیپلماتیک فرهنگی با آفریقا و بهبود همکاری‌های فرهنگی، بخشی از سیاست خارجی ایران است. با توجه به موارد فوق گفت تعامل سازنده جمهوری اسلامی ایران با قاره آفریقا و گسترش همکاری‌های دوجانبه فرهنگی با قاره آفریقا از این رو اهمیت دارد که می‌تواند به افزایش وزن ژئوپلیتیکی ایران منجر شود که در بیانات مقام معظم رهبری می‌توان به کرات مشاهده نمود. «کشورهای آفریقایی بر روی دریایی از منابع طبیعی بسیار حیاتی و لازم برای مردمانشان زندگی می‌کنند. در آنجا الماس هست، مواد معدنی بسیار هست که بشر به آن احتیاج دارد» (آیت‌الله خامنه‌ای: ۱۳۷۹، ۲۴ آبان). همچنین معظم له پیرامون استفاده از استعدادها بالقوه و ذاتی و به ثمر رسیدن آن‌ها فرمودند: «کشورهای آفریقایی به‌رغم تلاش قدرت‌ها برای جلوگیری از بهره‌مندی مردم آفریقا از تمدن، فرهنگ غنی و مواهب طبیعی، با تحرک و نشاط علمی و عملی می‌توانند استعدادهای خود را به فعلیت برسانند» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴، ۸ تیر).

باتوجه به اینکه روندشناسی دیپلماسی فرهنگی ایران و آفریقا و شرح دقیق زمینه‌های

شکل‌گیری فرصت‌های آن برای ایران از منظر بیانات مقام معظم رهبری در این برهه ضروری به نظر می‌رسد در این مقاله نگارنده با بهره‌گیری از رویکرد سازه‌نگاری به دنبال شناخت و تحلیل فرصت‌ها و راهبردهای روابط مذکور است. در این مقاله از نظریه سازه‌نگاری^۱ و ساختار اجتماعی^۲ الکساندر ونت^۳ بهره گرفته شد که خود به سه زیرساختار معنایی^۴، ساختار منافع^۵ (Wendt, 1994) و مادی^۶ تقسیم می‌شود (متقی و رشیدی، ۱۳۹۴). از دیدگاه سازه‌نگاری، منافع ملی برآمده از هویت و فرهنگ جامعه است. سیاست خارجی ایران قبل و بعد از انقلاب تفاوت‌های اساسی دارد. جامعه ایرانی دارای هویتی متکثر و غیرثابت است که برخی عناصر هویت‌بخش آن قبل از انقلاب در حاشیه قرار داشتند؛ اما ملت ایران در واکنش به تحمیل فرهنگ و هویت‌سازی ناسازگار، عناصر هویتی خود را در انقلاب به کار گرفت و سیاست خارجی متفاوتی را به نمایش گذاشت (سازمند، ۱۳۸۴). سیاست خارجی جدید ایران مبتنی بر انقلابی‌گری، دین‌گرایی و نگاه در افق جهان اسلام است (عظیم‌زاده اردبیلی و دیگران، ۱۳۹۶). جهت قرار دادن موضوع در مسیر درست پژوهش، نگارنده سؤال اساسی را مطرح نمود: فرصت‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در آفریقا شامل چه مواردی است؟ فرضیه‌ای که می‌توان تدوین نمود عبارت است از اینکه به نظر می‌رسد عواملی همچون حضور تعداد زیادی از شیعیان در ۲۷ کشور قاره آفریقا، اندیشه‌های امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی، حضور علما، مدارس و مؤسسات اسلامی در قاره آفریقا با همکاری جامعه المصطفی‌العالمیه تشکیل سازمان‌های فرهنگی و ... از جمله فرصت‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران برای تأثیرگذاری بر آفریقا هستند. در راستای تأیید یا رد این فرضیه از روش توصیفی تحلیلی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای همچون مقالات و منابع اینترنتی فارسی و انگلیسی بهره گرفته شده است.

پیشینه پژوهش

هاشمی (۱۴۰۲) معتقد است دیپلماسی فرهنگی در سیاست خارجی ایران پس از جنگ سرد به دلیل اهمیت قدرت نرم، جایگاه ویژه‌ای دارد. دیدگاه رهبری در این زمینه در سه

1. Constructivism
2. Social Construct
3. Alexander Wendt
4. Ideational Construct
5. Interests
6. Material

دسته ایجابی، سلبی و یادگیری قابل بررسی است. مکرمی‌پور (۱۴۰۳) نیز بیان می‌کند آفریقا به دلیل پتانسیل‌های اقتصادی و نیاز به فناوری، برای ایران اهمیت دارد و توسعه نفوذ در آن از طریق دیپلماسی‌های مختلف امکان‌پذیر است. با این حال، سیاست خارجی ایران در قاره آفریقا طی دهه‌های اخیر به دلیل تمرکز بر اروپا و آمریکا، عملکرد قابل قبولی نداشته است. مرادی (۱۳۹۹) معتقد است ایران در دیپلماسی عمومی در آفریقا موفق نبوده و نگاه امنیتی به اقدامات ایران، مانع از تأثیرگذاری بر افکار عمومی شده است. او با استفاده از مصاحبه با متخصصان و تحلیل SWOT، راهبرد بازنگری را برای تضعیف این نگاه امنیتی و ارتقای دیپلماسی عمومی پیشنهاد می‌کند. هدایتی (۱۳۹۸) نیز بیان می‌کند انقلاب اسلامی بر ابزارهای فرهنگی و گفتگو تأکید دارد. آیت‌الله خامنه‌ای بر ارزش‌های فطری و الهی مشترک در همه انسان‌ها برای بیداری و وحدت مسلمانان تأکید دارد. مقاله به بررسی جایگاه دیپلماسی فرهنگی در اندیشه ایشان و چگونگی تقویت آن از طریق فعال‌سازی مؤلفه‌های تمدنی قدرت‌آفرین می‌پردازد. صفویه (۱۳۹۵) معتقد است مبنای دیپلماسی فرهنگی در اندیشه‌های رهبری، «انسان» و فطرت الهی اوست. هدف این مقاله ترسیم جایگاه دیپلماسی فرهنگی از دیدگاه رهبری و ارائه راهکار برای پیشبرد اهداف آن با توجه به اندیشه‌های ایشان است. نتیجه این است که دیپلماسی فرهنگی از دیدگاه رهبری شامل «حکمت اسلامی و دیپلماسی فطری» است که با بهره‌مندی از آن‌ها کیفیت دیپلماسی فرهنگی افزایش می‌یابد. ابراهیمی (۱۳۸۹) بیان می‌کند با وجود اهمیت دیپلماسی فرهنگی برای ایران، در مجامع آکادمیک کمتر به بررسی چالش‌ها و فرصت‌های ایران در مناطق مختلف و یافتن شیوه‌های مؤثر برای این کار پرداخته شده است. از آنجا که اندیشه‌های نهضت ایران برآمده از فرهنگ اسلامی ایرانی بود، ترویج این فرهنگ در کشورهای دیگر برای رهبران ایرانی اهمیت داشته و به‌عنوان یکی از رویکردهای اصلی در سیاست خارجی مورد توجه قرار گرفته است.

دولت‌آبادی (۲۰۲۴) در مقاله‌ای به بررسی دیپلماسی فرهنگی ایران در اوگاندا در دوران ریاست جمهوری سید ابراهیم رئیسی پرداخته و اهداف و روش‌های فرهنگی اتخاذ شده برای دستیابی به این اهداف را مورد بررسی قرار داده است. این مقاله با استفاده از نظریه انتشار هاگسترند نشان می‌دهد که دولت رئیسی در کنار گسترش معارف دینی و ترویج تشیع در اوگاندا، به دنبال صدور آرمان‌ها و ارزش‌های انقلابی خود است و دیپلماسی فرهنگی خود را با محوریت دانش‌آموزان، معلمان و جامعه مذهبی اوگاندا دنبال می‌کند.

دریک^۱ (۲۰۲۴) در مقاله‌ای به مداخله ایران در کشورهای جنوب صحرای آفریقا از دهه ۱۹۶۰ پرداخته است. او بیان می‌کند که درحالی‌که سیاست‌های شاه با انگیزه‌های ضد کمونیستی بود، جمهوری اسلامی ایران سیاستی رادیکال برای تغییر وضعیت سیاسی جهان غرب دنبال کرد. جمهوری اسلامی ایران با ارائه مدارس مسلمانان و خدمات اجتماعی رایگان، به دنبال ایجاد حمایت مردمی در میان جوامع مسلمان بود و از اسلام‌گرایان رادیکال‌تر برای گسترش نفوذ ایران در این قاره بهره برد. تهران نفوذ خود را در منطقه ساحل گسترش داد و از سیاست خودخواهانه فرانسه در آفریقا و سیاست‌های سایر قدرت‌های غربی در غرب آفریقا برای برقراری ارتباط با گروه‌های نظامی ضد غربی ASE در بورکینافاسو، مالی و نیجر استفاده کرد. رقابت بین ایران و اسرائیل در دهه‌های اخیر تشدید شده است و ایران به‌طور مداوم تعامل خود را در سراسر منطقه گسترش داده است.

بلیکی^۲ (۲۰۲۴) در مقاله‌ای به بررسی عوامل تعیین‌کننده تعامل ایران با آفریقا با استفاده از داده‌های سفرهای دیپلماتیک سطح بالا پرداخته و نشان می‌دهد که الزامات ایدئولوژیک، نیازهای بازار و دسترسی به منابع استراتژیک عمده‌تاً منافع ایران در آفریقا را تقویت می‌کنند. علی بابالو^۳ (۲۰۲۳) در مقاله‌ای به بررسی راه‌هایی که ایران برای تبدیل شدن به یک قدرت تأثیرگذار در آفریقا از آن‌ها استفاده کرده، پرداخته و بیان می‌کند که ایران با استفاده از «صدور انقلاب اسلامی» و ایدئولوژی «مقاومت در برابر استکبار جهانی»، توانسته است با ترکیب روش‌های کلاسیک و مدرن، قدرت نرم خود را تقویت کند و جامعه وسیعی از پیروان را در کشورهایمانند نیجریه ایجاد کرده است. ایران در تلاش است تا قدرت خود را در رقابت ژئوپلیتیکی با غرب و قدرت‌های منطقه‌ای تثبیت کند، اما مشکلات اقتصادی و تحریم‌های بین‌المللی باعث شده است که ایران در سال‌های اخیر با موانعی در سیاست خود در آفریقا روبرو شود.

روش پژوهش

با توجه به موضوع فرصت‌ها و راهبردهای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای فرمایشات مقام معظم رهبری در قاره آفریقا، روش تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی و با هدف استخراج مفاهیم، مضامین و راهبردهای کلیدی مرتبط با دیپلماسی

فرهنگی در فرمایشات مقام معظم رهبری از طریق بررسی جامع و دقیق بیانات، سخنرانی‌ها، پیام‌ها و سایر آثار منتشرشده از مقام معظم رهبری (به‌ویژه آن‌هایی که به موضوعات فرهنگی، دیپلماسی و آفریقا مرتبط هستند) می‌باشد.

اهمیت و ضرورت انجام تحقیق در مورد فرصت‌ها و راهبردهای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای فرمایشات مقام معظم رهبری در قاره آفریقا را می‌توان در چند جنبه کلیدی خلاصه کرد. قاره آفریقا به دلیل داشتن منابع غنی، جمعیت جوان و رو به رشد و پتانسیل‌های اقتصادی فراوان، به یک بازیگر مهم در عرصه بین‌المللی تبدیل شده است. تقویت روابط با کشورهای آفریقایی می‌تواند منافع اقتصادی، سیاسی و امنیتی ایران را تأمین کند. در شرایطی که ایران با چالش‌های ناشی از تحریم‌های بین‌المللی و فشارهای سیاسی روبرو است، گسترش روابط با کشورهای آفریقایی می‌تواند به کاهش انزوا و افزایش قدرت چانه‌زنی ایران در عرصه جهانی کمک کند. دیپلماسی فرهنگی به‌عنوان یک ابزار قدرت نرم، می‌تواند به ترویج فرهنگ و ارزش‌های ایرانی در آفریقا کمک کند و از طریق ایجاد پیوندهای فرهنگی، نفوذ و تأثیرگذاری ایران را افزایش دهد. مقام معظم رهبری همواره بر اهمیت گسترش روابط با کشورهای آفریقایی و استفاده از ظرفیت‌های دیپلماسی فرهنگی تأکید داشته‌اند. انجام این تحقیق می‌تواند به تحقق این رهنمودها و تبدیل آن‌ها به برنامه‌های عملیاتی کمک کند. این تحقیق می‌تواند به تطبیق سیاست‌های دیپلماسی فرهنگی ایران با سیاست‌های کلان نظام و اولویت‌های تعیین‌شده توسط رهبری کمک کند. این تحقیق می‌تواند به توسعه دانش در زمینه دیپلماسی فرهنگی و روابط بین‌الملل کمک کند. نتایج تحقیق می‌تواند در مقالات علمی، کتاب‌ها و سایر آثار پژوهشی منتشر شود و به‌عنوان یک منبع ارزشمند برای محققان و دانشجویان مورد استفاده قرار گیرد و همچنین می‌تواند یک الگو یا چارچوب نظری برای دیپلماسی فرهنگی ایران در آفریقا ارائه دهد. این الگو می‌تواند به‌عنوان یک راهنما برای سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران دیپلماسی فرهنگی مورد استفاده قرار گیرد؛ بنابراین، این تحقیق می‌تواند بازدهی بالایی در راستای منافع ملی و اهداف سیاست خارجی ایران داشته باشد.

یافته‌های پژوهش

دیپلماسی فرهنگی

دیپلماسی فرهنگی روشی استراتژیک است که برای تقویت ارتباطات بین‌المللی و بهبود درک از یک کشور یا سازمان استفاده می‌شود (Umińska-Woroniecka 2016).

دیپلماسی فرهنگی با تسهیل تبادل و همکاری فرهنگی، روابط دوجانبه بین دو ملت را افزایش می‌دهد و یک رویکرد دیپلماتیک است که از مؤلفه‌های فرهنگی برای تقویت مشارکت‌های قوی‌تر و ارتقای درک بیشتر بین کشورها استفاده می‌کند (Zamorano, 2016). در واقع مفهوم «دیپلماسی فرهنگی» به تبادل افکار، اطلاعات، هنر و سایر جنبه‌های فرهنگ در میان ملت‌ها و مردمانشان به منظور تقویت درک متقابل اشاره دارد؛ اما «دیپلماسی فرهنگی» نیز می‌تواند بیشتر یک جاده یک‌طرفه باشد تا یک مبادله دوطرفه، مانند زمانی که یک ملت تلاش خود را بر ترویج زبان ملی، توضیح سیاست‌ها و دیدگاه‌های خود، یا «گفتن داستان خود» متمرکز می‌کند (Cummins, 2009: 1). این توصیف از دیپلماسی فرهنگی مفاهیم یک گفتگوی بین فرهنگی پایان‌باز را با ارتباطات ظاهراً مبتنی بر منافع بیشتر سیاست ملی به دیگران ترکیب می‌کند. در مقابل، تعریف پاتریشیا گاف از دیپلماسی فرهنگی حاکی از فاصله بیشتر از سیاست‌های دولتی است و دیپلماسی فرهنگی را به عنوان ابزاری برای کاهش ادراکات منفی ایجاد شده توسط سیاست‌های سطح بالاتر نشان می‌دهد (Zheng, 2024). از نظر گاف^۱ (۲۰۱۳)، «دیپلماسی فرهنگی قبل از هر چیز در مورد پل زدن بر اختلافات و تسهیل درک متقابل است»: می‌تواند «داستان دیگری درباره کشوری بگوید» که «ممکن است داستانی با آن متفاوت باشد». همان‌طور که سیمون مارک^۲ (۲۰۱۰) اشاره می‌کند، با این حال، دیپلماسی فرهنگی با رویکردهای ابزاری‌تری نیز همراه بوده است که در آن به کارگیری ابزارهای فرهنگی (هرچند تعریف شده) تابع تعقیب سایر اهداف سیاستی است (Betty, 2019). دیپلماسی فرهنگی نقش مهمی در تقویت روابط دوجانبه بین ایران و آفریقا از طریق تسهیل تعامل فرهنگی و ترویج ارزش‌های مشترک ایفا می‌کند. قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی مفاهیم اساسی هستند که برای درک دیپلماسی فرهنگی بین ایران و آفریقا به کار گرفته می‌شوند (Schmidt, 2008). به گفته نای^۳ (۲۰۰۴)، قدرت نرم به ظرفیت شکل‌دهی به ترجیحات دیگران با استفاده از جذابیت و آرمان‌های فرهنگی به جای زور یا پاداش‌های مالی اشاره دارد (Majewski, 2024). ایران در این زمینه از قدرت نرم برای پیشبرد تصویر مطلوب و اصول فرهنگی خود از طریق بسیاری از رویدادهای فرهنگی، از جمله جشنواره‌ها، نمایشگاه‌های هنری و همکاری‌های آموزشی استفاده می‌کند.

1. Gaff
2. Simon Mark
3. Nye

مزایای دیپلماسی فرهنگی

اهمیت دیپلماسی فرهنگی در دنیای امروز از جنبه‌های مختلف قابل بررسی است. کنت تامپسون و سوجت موکو معتقدند که کاهش احتمال درگیری نظامی بین قدرت‌های بزرگ، باعث شده تا موضوعاتی مانند تبادلات علمی و فناوری، آموزش و مسائل زیست‌محیطی در عرصه دیپلماسی برجسته‌تر شوند. از طرفی، احتمال افزایش تنش بین قدرت‌های کوچک‌تر، نقش دیپلماسی فرهنگی را در کاهش سوءتفاهم‌ها و ایجاد بستری برای گفتگو بین این کشورها حیاتی می‌سازد (Grincheva, 2024).

مارتین وایت^۱ با اشاره به تغییرات در توزیع قدرت جهانی و ظهور قدرت‌های جدید مانند چین و اتحادیه اروپا، بر اهمیت شناخت فرهنگی بین‌المللی تأکید می‌کند. او معتقد است که فرهنگ می‌تواند به‌جای ایجاد ترس و مانع، زمینه‌ساز روابط مستحکم‌تر بین ملت‌ها باشد. گسترش ارتباطات، فناوری و نیاز به حل مسائل جهانی مانند بهداشت و محیط‌زیست، کشورها را نیازمند همکاری‌های فرهنگی گسترده‌تر کرده است (Grincheva, 2024; Gündüz, 2024). در این راستا، دیپلماسی فرهنگی می‌تواند مفاهیم نوینی مانند حقوق بشر و صلح را در عرصه بین‌المللی ترویج دهد.

تامپسون و موکو^۲ با بررسی تجربیات تاریخی کشورهایمانند فرانسه و آمریکا در زمینه دیپلماسی فرهنگی، هشدار می‌دهند که این رویکرد در گذشته با چالش‌هایی نظیر افراط‌گرایی و ایده‌آل‌گرایی روبرو بوده است (Nurismaeny, 2024). آن‌ها بر این باورند که وجود پشتوانه‌های فلسفی و مذهبی قوی، تفکر جهانی و توجه به نقش ایدئولوژی‌ها، از عوامل کلیدی موفقیت در دیپلماسی فرهنگی به‌شمار می‌روند. به اعتقاد آن‌ها، روابط فرهنگی می‌تواند به بازسازی و بهبود روابط بین‌المللی کمک کند (Holoborodko, 2024).

ابزارهای دیپلماسی فرهنگ

در راستای اجرای دیپلماسی فرهنگی، رجوع به فرهنگ و سنت‌های ملل مختلف، امری ضروری است. این رویکرد، پایه و اساس سیاست‌های فرهنگی را تشکیل داده و شامل تعهدات و مفاهیمی است که هر ملت در قبال جامعه جهانی برای خود تعریف می‌کند. استفاده از ظرفیت‌های فرهنگی در خدمت دیپلماسی، از طریق روش‌های گوناگونی قابل تحقق است.

1. Martin White

2. Thompson and Mocco

یکی از این روش‌ها، برجسته‌سازی نقش و اثرگذاری چهره‌های برجسته علمی، ادبی و هنری در سطح بین‌المللی است (Xu, 2025). بهره‌گیری از شهرت و اعتبار این افراد، مانند مولانا، حافظ، ابن‌سینا، شکسپیر و دیگر مشاهیر جهانی (Samira, 2024)، می‌تواند در معرفی شایسته ملت‌ها و پیشبرد اهداف دیپلماسی فرهنگی مؤثر باشد. همچنین، ترویج زبان و ادبیات یک کشور از طریق تأسیس کرسی‌های زبان و ادبیات در دانشگاه‌های معتبر جهان و ارائه بورسیه‌های تحصیلی در مقاطع تحصیلات تکمیلی، نقش مهمی در گسترش فرهنگ و زبان در سطح جهانی ایفا می‌کند (Rijo, 2024). حضور فعال در رویدادهای بین‌المللی نظیر کنفرانس‌ها، جشنواره‌های هنری و ورزشی، نمایشگاه‌ها و سمینارهای فرهنگی (Odeke, 2025)، نیز در تقویت دیپلماسی فرهنگی بسیار حائز اهمیت است.

آموزش‌های تخصصی فرهنگی به دیپلمات‌ها و تربیت دیپلمات‌های آشنا به ظرافت‌های فرهنگی کشورهای مختلف، از دیگر اصول اساسی در این زمینه محسوب می‌شود. حمایت از راه‌اندازی مراکز مطالعات کشوری و ایران‌شناسی در دانشگاه‌های معتبر جهان، باهدف جذب نخبگان و اندیشمندان، می‌تواند در اشاعه فرهنگ و ادب یک کشور مؤثر واقع شود (Minglei, 2024).

قاره آفریقا به دلیل داشتن ظرفیت‌های فرهنگی و فرصت‌ها به صحنه رقابت قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای تبدیل شده است و همه این قدرت‌ها به دنبال ایجاد برنامه مدون در راستای اقدامات خود در قاره آفریقا هستند. بر این اساس یکی از برنامه‌های تدوین شده در زمینه سیاست خارجی ج.ا.ا در عرصه بین‌المللی، توسعه و ارتقا همکاری‌های همه‌جانبه با آفریقا در ابعاد فرهنگی و هم‌افزایی با کشورهای آفریقایی می‌باشد که متکی بر حفظ کرامت انسانی مردم این قاره است. بر این اساس در سند چشم‌انداز ایران در افق ۱۴۰۴ که به‌عنوان یک سند جامع توسعه‌یافتگی همه‌جانبه در سیاست خارجی هست، نگاه منطقه‌ای به سیاست خارجی، کسب جایگاه قدرت برتر منطقه‌ای و تعامل سازنده با سایر دولت‌ها در سیاست خارجی مورد تأیید قرار گرفته است. از این جهت برنامه‌های توسعه همه‌جانبه و راهبردی با آفریقا باید با سیاست‌های کلی توسعه و اهداف سند چشم‌انداز مطابقت داشته باشد و حداقل تا ۸۵ درصد اهداف سند چشم‌انداز را اجرا کرده باشد.

جایگاه قاره آفریقا در سیاست خارجی ایران از منظر امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری

پیروزی انقلاب اسلامی نقش اساسی در میان مسلمانان جهان ایفا کرد دیدگاه فراملیتی انقلاب اسلامی باعث شد مسلمانان در تلاش برای جستجو هویت اسلامی خود برآیند. انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) از جمله انقلاب‌هایی است که دیدگاه فراملیتی دارد و به عبارت دیگر به کشور، ملت، قوم و مکان خاصی محدود نمی‌شود. انقلاب اسلامی با معرفی چهره واقعی اسلام ناب محمدی (ص)، اسلام را به عنوان دین جامع و کامل که سعادت اخروی و دنیوی انسان‌ها را در برمی‌گیرد با شرایط روزبه جهانیان ارائه کرده است. روحیه تلاش و جهاد راه خدا را در میان امت اسلامی بازگرداند و اعتمادبه‌نفس قوی و نیرومندی را در میان کشورهای اسلامی ایجاد کرد. جوانان مسلمان با الگوپذیری از انقلاب اسلامی ایران که ریشه در مذهب شیعه اثنی عشری و آموزه‌های قیام عاشورا دارد درصدد اسلام نمودن نظام‌های سیاسی خود می‌باشد. لذا با توجه به موارد فوق، فرمایشات و بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) پیرامون قاره آفریقا را بررسی می‌نماییم. مسلمانان قاره آفریقا از ابتدا مشتاقانه درصدد شناخت اصول و مبانی انقلاب اسلامی برآمدند و موج بیداری اسلامی در آفریقا به وجود آمد طی سه دهه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با جریان‌های اصول‌گرایی اسلامی در قاره آفریقا، به خصوص در شمال آفریقا توسط حاکمان غرب‌گرا به شدت برخورد و سرکوب می‌شدند؛ اما در زمستان ۱۳۸۹ موج خروشان بیداری اسلامی از شمال آفریقا برخاست که هیچ قدرت مادی‌گرایی توانایی مقابله با آن را نداشت و بیداری اسلامی، حاکمان دیکتاتور مورد حمایت غرب را از میان برداشت.

فرصت‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای فرمایشات مقام معظم رهبری در قاره آفریقا

ساختار معنایی حاکم بر دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای فرمایشات مقام معظم رهبری در قاره آفریقا

روزنا بر این اعتقاد است که خصوصیات و رفتار هر نظام اجتماعی در هر لحظه‌ای از زمان، محصول سنت فرهنگی آن نظام اجتماعی است (Rosenau, 1976). ساختار معنایی هر دولتی نیز ریشه در جغرافیای فرهنگی و اجتماعی مردم آن کشور دارد. انگاه

خودمحموری و نوعی تصور از محور و مرکز بودن خود در میان کشورها و مناطق از خصایص کنشگران ایرانی و آفریقایی است؛ که در ادامه به آن پرداخته شده است:

خاطره استعمار، مقابله با نظام سلطه، تنفراز دولت آمریکا: ملت‌های منطقه خاورمیانه، منطقه اسلامی و شمال آفریقا از ته دل از آمریکا تنفر دارند، چون در سال‌های متمادی از آمریکا در این منطقه خشونت دیدند، دخالت نظامی دیدند، حق کشتی دیدند، تبعیض دیدند، مداخله‌های زور مدارانه دیدند، از دست رفتن حقوق خودشان را به‌وسیله دولت‌های زورگوی آمریکایی در طول سال‌های گذشته مشاهده کردند لذا متنفرند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸، ۱۴ آذر). مقام معظم رهبری پیرامون تأثیر انقلاب اسلامی ایران در آفریقا و فعالیت مسلمانان در قاره آفریقا عنوان کلی بیان کرده‌اند که عبارت‌اند از: مبارزه با ظلم، اهمیت فعالیت مسلمانان و مردم دنیا، محبوبیت و الگو بودن و تأثیر ایران، اهمیت قانون اساسی و کارنامه موفقیت‌های ایران.

نفوذ علما در قاره آفریقا: معظم له پیرامون نفوذ علما در آفریقا فرمودند: «آنچه توانست در شرق دنیای اسلام یعنی شبه‌قاره هند و در غرب دنیای اسلام یعنی آفریقا و در میان این دو، دست استعمار را از سر مردم کوتاه کند و فرهنگ اسلامی را حفظ نماید و در مقابل فرهنگ متجاوز و مهاجم بایستد، نفوذ علما بود. در ایران خود ما هم نهضت تنباکو و مبارزه با استعمار دولت‌های خارجی و بیدار کردن مردم و نیز نهضت مشروطیت و مقابله با استبداد رضاخانی و ادامه این مبارزه تا پیدایش نهضت مقدس عظیم اسلامی، به‌پیش قراولی و پیشاهنگی علما بود؛ و الا پیش نمی‌رفت. این، یک سابقه و یک تاریخ است؛ کسی هم نمی‌تواند آن را انکار کند؛ مگر مغرض یا جاهلی که حرفی بزند و بخواهد حقیقتی را بپوشاند. این در تاریخ ملت ما و دیگر ملت‌های اسلامی، مضبوط و محفوظ است» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹، ۲۲ اسفند).

اهمیت قانون اساسی و کارنامه موفقیت‌های ج.ا.ا: مقام معظم رهبری پیرامون اهمیت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به نقل از یکی از سیاستمداران غربی فرمودند آن سیاستمدار غربی می‌گفت: «دو چیز است که اگر در میان مسلمان‌ها دست‌به‌دست بگردد و ملت‌های مختلف مسلمان از این دو چیز آگاه شوند، دیگر همه‌ی تابوهای غرب یعنی اصول جزمی غرب در هم خواهد شکست و باطل خواهد شد. این دو چیز چیست؟ این سیاستمدار غربی می‌گوید: یکی قانون اساسی جمهوری اسلامی است؛ که این قانون اساسی، یک حکومت مردمی و پیشرفته‌ی امروزی و درعین حال دینی را در چشم مسلمانان جهان ممکن می‌سازد. این قانون اساسی نشان

می دهد که می توان یک حکومتی داشت که هم متجدد باشد، امروزی باشد، پیشرفته باشد و هم کاملاً دینی باشد. قانون اساسی این را تصویر می کند. می گوید چنین چیزی ممکن است. دوم، کارنامه‌ی موفقیت‌های علمی و اقتصادی و سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی است؛ که اگر این دست مسلمان‌ها برسد، می بینند که آن امر ممکن اتفاق افتاده، واقع شده است.» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹، ۱۵ بهمن).

زبان بومی: امروز کشورهایی هستند که متأسفانه زبان ملی خودشان، زبان رسمی شان نیست. امروز زبان رسمی هند و پاکستان، زبان انگلیسی است؛ زبان دیوانی شان، زبان انگلیسی است؛ در حالی که زبان هندی و زبان اردو و چند صد زبان دیگر هم دارند. در پاکستان، زبان اردو؛ و در هندوستان، زبان هندی، زبان رایج است؛ اما آن‌ها به کلی مغفول‌عنه است. چگونه زبان خارجی آمد جای زبان ملی یک ملت را گرفت؟ همین طوری وارد می شوند. انگلیسی‌ها در هند سرمایه‌گذاری کردند تا توانستند وضعیت را به اینجا برسانند. بعضی از کشورهای آفریقایی، زبانشان پرتغالی یا اسپانیولی است؛ به زبان رسمی خودشان اصلاً توجه نمی کنند؛ این خوب است؟ تسلط زبان بیگانه بر یک ملت، خوب است؟ زبان، استخوان فقرات یک ملت است؛ این را ما این طور تضعیف کنیم؟ چرا؟ چون آقای سلیقه‌اش این است و این طور فهمیده! مدرسه و بچه‌های مردم که محل آزمون و خطا نیستند؛ آزمایشگاه نیستند که ما این مسئله را تجربه کنیم، بعد ببینیم تجربه غلط از آب درآمد. با بچه‌های مردم که نمی شود این طوری رفتار کرد؛ بنابراین اتفاق فکر یعنی یک مرکز اندیشمند و آگاه لازم است. چیزهای فراوان دیگری هم در آموزش و پرورش وجود دارد که باید به آن‌ها هم توجه کرد (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار فرهنگیان و معلمان استان کرمان ۱۳/۰۸/۸۴).

جبهه مقابله‌ای و بازیابی هویت: ایشان می فرمایند: «فرهنگ غرب، یک فرهنگ مهاجم است. فرهنگ غرب، فرهنگ نابودکننده فرهنگ‌هاست. هر جا غربی‌ها وارد شدند، فرهنگ‌های بومی را نابود کردند، بنیان‌های اساسی اجتماعی را از بین بردند؛ تا آنجائی که توانستند، تاریخ ملت‌ها را تغییر دادند، زبان آن‌ها را تغییر دادند، خط آن‌ها را تغییر دادند... فرانسوی‌ها... در کشورهایی که تحت استعمار آن‌ها بود، زبان فرانسه را اجباری کردند. یک وقتی یکی از رؤسای کشورهای آفریقای شمالی که سال‌ها فرانسوی‌ها بر آنجا سلطه داشتند زمان ریاست جمهوری با بنده ملاقات داشت. او با من عربی حرف می زد؛ بعد می خواست یک جمله‌ای را بگوید، واژه عربی آن جمله یادش نیامد، بلد نبود. معاونش یا وزیرش همراهش بود، به فرانسه به او گفت که

این جمله به عربی چه می‌شود؟ او هم گفت که بله این جمله به عربی می‌شود این؛ یعنی یک عرب نمی‌توانست مقصود خودش را با عربی ادا کند، مجبور بود با فرانسه از رفیقش پرسد، او هم بگوید که این است! یعنی این قدر این‌ها از زبان اصلی خودشان دور مانده بودند. این مسئله را سال‌ها بر این‌ها تحمیل کردند.»^۱ براین اساس می‌توان بیان نمود مهم‌ترین راهبرد، قرار دادن جمهوری اسلامی ایران در جایگاه نماد مقاومت فرهنگی در برابر سلطه غرب است. درحالی‌که غرب با تهاجم زبانی و تاریخی، هویت ملت‌ها را هدف قرار می‌دهد، ایران بر حفظ ریشه‌ها، شخصیت و هویت بومی آفریقا تأکید می‌کند. این امر از طریق حمایت از حفظ زبان‌های محلی و معرفی الگوی توسعه مستقل که مبتنی بر داشته‌های درونی ملت‌ها باشد، محقق می‌گردد (۱۳۹۱/۰۷/۲۳).

عدم مصرف‌گرایی و بی‌اعتنایی به مبانی فرهنگی و هویت‌های ملی: ایشان بیان می‌کنند «سررشته تحولات منفی در سطح بین‌المللی در دست کسانی است» که آن‌ها به‌وسیله این تحولات می‌خواهند اهداف خودشان را که یا زر است یا زور تأمین کنند و برای آن‌ها چیزی به نام هویت ملت‌ها اصلاً ارزش ندارد؛ که متأسفانه این در صدسال، صد و پنجاه سال اخیر، در دنیا اتفاق افتاده است؛ تحولات کشورهای آسیایی و آفریقایی و امریکای لاتین در دام طراحی باندهای قدرت بین‌المللی افتاده است و طراح این‌ها صهیونیست و سرمایه‌داران بین‌المللی بوده‌اند. برای این‌ها آنچه مهم بوده، کسب قدرت سیاسی است که بتوانند در کشورها و دولت‌های اروپایی و غیره نفوذ کنند و قدرت سیاسی را در دست بگیرند و پول کسب کنند و این کمپانی‌ها، سرمایه‌های عظیم، کارتلها و تراستها را به وجود آورند. هدف این بوده است؛ آن‌وقت اگر اقتضاء می‌کرده است که اخلاق جنسی ملت‌ها را خراب کنند، راحت می‌کردند؛ مصرف‌گرایی را در بین آن‌ها ترویج کنند، به‌راحتی این کار را انجام می‌دادند؛ بی‌اعتنایی به هویت‌های ملی و مبانی فرهنگی را در آن‌ها ترویج کنند، این کار را می‌کردند.»^۲ (۱۳۸۵/۰۸/۱۸). بر اساس این بیانات باید بیان نمود، دیپلماسی فرهنگی ایران در آفریقا دیگر صرفاً یک تبادل فرهنگی نیست، بلکه یک عملیات فکری- فرهنگی پیچیده است که هدف آن مقاومت فعال در برابر سلطه اقتصادی- سیاسی قدرت‌های جهانی از طریق تقویت بنیادهای هویتی، اخلاقی و فرهنگی ملت‌های آفریقایی است تا آن‌ها در برابر پروژه‌های تخریبی مصرف‌گرایی و بی‌هویتی مقاومت کنند.

حفظ اصالت عدالت‌خواهی مردمی: ایشان می‌فرمایند: «دأب سیاست‌های مسلط عالم این بوده و هست که جنبش‌های عدالت‌خواهانه مردم نقاط مختلف دنیا را در

هاضمه سیاسی و فرهنگی خود بریزند و در واقع هویت آن جنبش‌ها و حرکت‌های مردمی و عدالت‌خواهانه را از بین ببرند... نهضت‌های عدالت‌خواهانه ملت‌های آفریقا و آسیا در طول ده‌ها سال به وسیله کمونیست‌ها و سیاست مسلط شوروی سابق مصادره شد و به دیکتاتوری‌های گوناگونی که در جهت مصالح شوروی کار می‌کردند، منتهی گردید. این رسم جاری دنیا با نهضت‌های عدالت‌طلبانه ملت‌های جهان بوده است» (۱۳۸۱/۰۳/۱۴). در پرتو این بیانات، دیپلماسی فرهنگی ایران در آفریقا باید به‌عنوان حامی اصالت جنبش‌های مردمی عمل کند. این دیپلماسی نه تنها در برابر نفوذ فرهنگی غرب می‌ایستد (بی‌اعتنایی به هویت)، بلکه به صورت فعال از اصالت و پایداری هویت عدالت‌خواهانه جنبش‌های آفریقایی در برابر هرگونه مصادره ایدئولوژیک خارجی (چه از شرق و چه از غرب) دفاع می‌کند. این رویکرد، ایران را به قطب اعتماد فرهنگی برای ملت‌هایی تبدیل می‌کند که از هر دو سنت سلطه جهانی خسته شده‌اند.

الگوی مقاومت مسالمت‌آمیز و انتقال تجربه: ایشان بیان می‌کنند: «نلسون ماندلا» قبل از آن که در آفریقای جنوبی به پیروزی برسد - زمانی که تازه از زندان آزاد شده بود - به ایران آمد و با من ملاقات کرد. راجع به اوضاع آفریقای جنوبی از او سؤال کردم، چیزهایی گفت. من به او گفتم، ما تجربه‌ای داریم که گمان می‌کنم در کشور شما هم قابل عمل باشد؛ و آن تجربه عبارت است از این که انسان‌های داوطلب - که اکثریت جمعیت کشور ما را تشکیل می‌دادند - زن و مرد، با جسم خودشان به خیابان‌ها آمدند، نه با مشتشان، نه با سلاحشان، نه با نارنجکشان، نه با خانه‌گروهی‌شان، بلکه با تن خودشان آمدند؛ روی خود را هم نبستند، با صورت باز آمدند؛ لذا نظام را منفعّل کردند و او هم دید نمی‌تواند بایستد. واقعاً بر چه کسی می‌خواست حکومت کند؟ گفتم به نظر من این الگو در آفریقای جنوبی قابل عمل است. او سری تکان داد. بعد از رفتن او، یکی دو ماه طول نکشید که خبرهای تظاهرات عظیم مردمی در آفریقای جنوبی را در روزنامه‌ها خواندیم! من فهمیدم که این بذر، سبز شد؛ عین همان وضعیت ایران. تمام خیابان‌های شهرهای بزرگ آفریقای جنوبی از سیاهان پُر شد و یک عده از سفیدپوست‌ها هم آمدند و همراه با آن‌ها راهپیمایی کردند و گفتند ما هم با حکومت تبعیض نژادی مخالفیم! نتیجه نیز همان شد؛ یعنی کسی که در رأس بود، دید اصلاً نمی‌تواند کاری بکند. اول رفت و کس دیگری را جای خودش گذاشت؛ او هم دید نمی‌تواند؛ لذا در یک انتقال قدرت آرام، حکومت را به دست سیاه‌پوستان دادند و خود «ماندلا» هم رئیس‌جمهور شد!» (۱۳۸۰/۰۲/۱۲). بر این اساس باید اذعان نمود

که این تجربه برجسته، دیپلماسی فرهنگی ایران را از حوزه انتزاعی ایدئولوژی خارج کرده و آن را به حوزه عملیاتی «انتقال تجربه موفق مقاومت مدنی» سوق می‌دهد. این قوی‌ترین سلاح فرهنگی ایران در آفریقا است، زیرا مستقیماً به توانمندسازی مردم برای تغییر سرنوشت خود، بدون اتکا به کمک خارجی یا خشونت‌های مسلحانه، می‌پردازد. این رویکرد، به‌طور ذاتی، در تضاد کامل با مدل‌های سلطه‌گر غربی و کمونیستی سابق است که جنبش‌ها را یا سرکوب می‌کردند یا مصادره می‌نمودند.

مبارزه با ساختار سلطه (شمال/جنوب): ایشان در این ارتباط می‌فرمایند: «امروز هرکس به جغرافیای سیاسی و فرهنگی عالم نگاهی بیندازد، حقیقتی را مشاهده می‌کند. آن حقیقت این است که امروز جهان از قطرهای سلطه تشکیل شده است؛ مجموعه‌هایی که بر روی هم متأسفانه یک نظام سلطه جهانی را در این دوران به وجود آورده‌اند. نظام سلطه چیست؟ نظام سلطه این است که بعضی از کشورهای دنیا سلطه‌گر و بعضی از کشورهای دنیا سلطه‌پذیرند. رسم بر این است که امروز کشورهای جهان را به شمال و جنوب تقسیم می‌کنند. کشورهای شمال یعنی کشورهای ثروتمند و کشورهای جنوب یعنی کشورهای مثلاً فقیر یا کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای رو به توسعه. در دوره‌های قبل هم تقسیمات دیگری می‌کردند. من در آن زمان که شوروی سابق هنوز بود و دنیا را به بخش‌های سه‌گانه تقسیم می‌کردند، در یک مجمع جهانی این حرف را زدم؛ امروز هم که شوروی وجود ندارد و قطرهای دوگانه متضاد قدرت در دنیا به آن صورت نیست، همان عقیده را دارم. هر چه زمان می‌گذرد، این حرف بیشتر تأیید می‌شود؛ و آن حرف این است که جهان دو بخش دارد: یک بخش سلطه‌گر، یک بخش سلطه‌پذیر. بخش سلطه‌گر لزوماً کشورهایایی نیستند که از ثروت‌های طبیعی برخوردار باشند؛ بخش سلطه‌پذیر هم لزوماً کشورهایایی نیستند که همه فقیر باشند. کشورهای آفریقایی بر روی دریا‌هایی از منابع طبیعی بسیار لازم برای مردمانشان زندگی می‌کنند. در آنجا الماس هست، مواد معدنی بسیاری هست که بشر به آن احتیاج یا اشتیاق دارد. این ثروت طبیعی مال آن‌هاست؛ بنابراین فقیر نیستند؛ اما ابزار سلطه از این جادوگری‌ها بسیار می‌کند؛ یک ملت فقیر را به صاحب ثروت کلان تبدیل می‌کند؛ اما ملت‌هایی را که از ثروت‌های بزرگ طبیعی برخوردارند، به کشورهایایی که به نان شبشان محتاج‌اند، تبدیل می‌نماید! امروز در آفریقا، در بسیاری از مناطق آسیا، در بسیاری از مناطق امریکای لاتین، در خود اروپا، از این‌گونه ملت‌ها هستند.» (۱۳۷۹/۰۸/۲۴). در این مرحله، دیپلماسی فرهنگی ایران نقشی هژمونیک (رهبری‌کننده) اما از نوع مقاومت

را ایفا می‌کند. این دیپلماسی، برخلاف کمونیسیم سابق که بر «طبقه» تمرکز داشت و غرب که بر «مصرف‌گرایی»؛ بر «هویت ملی» به‌عنوان تنها ابزار مقاوم در برابر جادوی اقتصادی سلطه‌گران تأکید می‌کند و ملت‌های آفریقا را به‌سوی خودباوری منابع و هویت خود برای استقلال واقعی هدایت می‌نماید.

مقابله با برنامه‌های فاسدکننده نسل جوان: مقام معظم رهبری با اشاره به برنامه‌های غربی برای جوانان می‌فرماید: «در کشورهای اسلامی، برای ضایع کردن نسل جوان، برنامه همه‌جانبه‌ای شروع شد. میدانید که دوران استعمار - یعنی دست‌اندازی کشورهای غربی به کشورهای آسیایی و آفریقایی - نزدیک به دو بیست سال قبل شروع شد. آن‌ها می‌دانستند که این وضع ادامه پیدا نمی‌کند و اگر جوانان رشد کنند، با فرهنگ بشوند، با اراده باشند، نمی‌گذارند آب خوش از گلوی بیگانگان و چپاولگران پایین برود؛ لذا برای فاسد کردن نسل جوان برنامه‌ریزی کردند.» (۱۳۷۰/۰۸/۱۵). این بیانات نشان می‌دهد که مبارزه فرهنگی، خط مقدم مبارزه سیاسی و اقتصادی است. راهبرد فرهنگی ایران باید به یک واکسن ایدئولوژیک و فرهنگی تبدیل شود که جوانان آفریقایی را در برابر سموم غرب مقاوم کرده و آن‌ها را برای تبدیل شدن به مدیران آینده منابع و سرنوشت خود، با اراده و هویت مستحکم آماده سازد.

ملت‌ها در برابر دولت‌ها (کانون دیپلماسی مردمی): «الان در شرق دنیای اسلام، در غرب دنیای اسلام، از منت‌هالیه آسیا تا اعماق آفریقا، ملت‌ها با ملت ایران دل خوش دارند؛ کار به دولت‌ها نداریم، وضع دولت‌ها مختلف است؛ ملت‌ها. این به خاطر همین است که این خطوط فاصل، غیررسمی اعلام شد از طرف امام بزرگوار... امروز هم جمهوری اسلامی متأثر از همین هندسه سیاسی امام بزرگوار است. امام این هندسه سیاسی را برای نظام اسلامی ترسیم کرد، امروز هم ما دنبال همان هستیم و ان‌شاءالله در آینده هم همین خواهد بود» (۱۴۰۱/۰۶/۱۲). در تحلیل این بخش از بیانات باید بیان نمود که سیاست خارجی کنونی ایران، یک سیاست آنی و واکنشی نیست، بلکه برگرفته از یک منطق سیاسی عمیق و بنیادین است که توسط بنیان‌گذار انقلاب ترسیم شده است. این «هندسه» همان الگوی نفی سلطه است که جهان را به دو قطب سلطه‌گر و سلطه‌پذیر تقسیم می‌کند.

عدم اولویت سرمایه بر انسانیت: «نظام سرمایه‌داری غرب یک نظام مردسالار است؛ یعنی آن چیزی که آن‌ها نسبت به اسلام می‌گویند و غلط می‌کنند و خلاف واقع می‌گویند، عیناً در مورد خودشان صادق است؛ چرا؟ ریشه این نگاه هم این است که

در نظام سرمایه‌داری، سرمایه بالاتر از انسانیت است؛ و انسان‌ها در خدمت سرمایه قرار می‌گیرند. خب هر انسانی که بیشتر بتواند سرمایه‌آوری کند، سرمایه‌اندوزی کند، ارزشش بیشتر است. مردگردن کلفت‌تر است، قوی‌تر است؛ [استخراج] معادن طلا و جواهرات و الماس و غیره در آفریقا و در آمریکا و آمریکای جنوبی و مانند اینها را مردها [انجام میدادند]؛ مدیریت‌های کلان اقتصادی و تجاری و مانند اینها را مردها انجام می‌دادند؛ بنابراین مرد اولویت دارد بر زن در نظام سرمایه‌داری؛ چون رجحان سرمایه‌بر انسان، در مورد مرد بیشتر صادق است» (۱۴۰۱/۱۰/۴). با برجسته کردن مردسالاری سرمایه‌داری، ایران می‌تواند جایگاه زن را در چارچوب هویت‌محور تعریف کند؛ یعنی زن نه به‌عنوان نیروی کار مولد سرمایه (ابزار)، بلکه به‌عنوان رکن اصلی ساختار هویت‌بخش خانواده و جامعه، دارای ارزشی مستقل از میزان ثروت‌اندوزی‌اش. این گزاره، دیپلماسی فرهنگی ایران را مجهز به یک سلاح فکری می‌کند: نشان دادن این حقیقت که مردسالاری غرب، ریشه در اولویت دادن به سرمایه‌بر کرامت انسانی دارد و این خود بزرگترین تناقض درونی نظام سلطه است.

مبارزه با ظلم: مقام معظم رهبری با اشاره به گرایش بی‌سابقه ملت‌ها برای مقابله با استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا فرمودند: «امروز در آفریقا، آسیا خاورمیانه، اروپا و آمریکای لاتین ملت‌ها و به‌ویژه مسلمانان علیه آمریکا شعار می‌دهند. مبدأ این تحول که در طول تاریخ بیداری ملت‌ها بی‌نظیر است از پیروزی انقلاب اسلامی ایران ناشی می‌شود. انقلاب بر اساس تعالیم اسلام، ضرورت مقابله با ظلم و ستم را در هر شرایطی به مسلمانان تفهیم کرد؛ زیرا در مبارزه مظلوم با ظالم و ستمگر هیچ مرزی وجود ندارد» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹، ۲۹ شهریور).

اهمیت فعالیت مسلمانان و مردم دنیا: مقام معظم رهبری نسبت به بی‌تفاوت نبودن فعالیت مسلمانان جهان فرمودند: «اگر در گوشه‌ای از جهان، جمعی از مسلمین حرکتی می‌کنند، تصمیمی می‌گیرند، سودی می‌برند، یا زبانی می‌بینند، ملت ایران و انقلاب و نظام ما نمی‌تواند موضع منفی و بی‌تفاوتی بگیرد. لذا از روز اول که انقلاب ما به یک دولت و یک نظام تبدیل شد، این نظام در زبان امام و معلم. معمارش و در زبان مسئولان همواره مسائل ملت‌های مسلمان را مطرح و به آن اعتنا کرده است. امروز اگر شما می‌بینید که مثلاً در آفریقا ملت‌ها کاری کرده‌اند که حواس استکبار جهانی به کلی پریشان شده است؛ اگر می‌بینید که سیاست‌گذاران استکباری دارند فکر می‌کنند که اگر مسائل الجزایر به فلان کشور و فلان کشور سرایت کرد، ما چه

می‌کنیم؛ اگر می‌بینید که ملت‌های مسلمان جمهوری‌های آسیای میانه، احساسات اسلامی خود را ابراز می‌کنند و اسلام را می‌خواهند تا آنجا که رهبران و مسئولان و زمامدارانشان هم چاره‌ای جز این ندارند که دم از گرایش به انگیزه‌های اسلامی بزنند و همین موارد دیگر، این‌ها را باید به‌عنوان آن جرقه‌هایی از این کانون آتش منتشر شده است، ملاحظه کنید» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰، ۱ اسفند).

محبوبیت و الگو بودن و تأثیر جمهوری اسلامی ایران: حضرت آیت‌الله خامنه‌ای فرمودند «مسئله دیگر، حرکت‌های اسلامی در برخی از کشورهای عربی و آفریقایی است. این یکی از مژده‌بخش‌ترین حوادث جهان اسلام است که ملتی با جوان‌هایش، با روشنفکرهایش، با مردم کوچه و بازارش، داعیه‌ی اجرای احکام اسلامی و تشکیل حکومت اسلامی داشته و در راه آن حرکت کند. از طلوع انقلاب عظیم اسلامی در ایران و تشکیل جمهوری اسلامی، این انتظار و امید برای دوستان و این هراس و نگرانی شدید برای اردوگاه استکبار و در رأس آن امریکا وجود داشت که انقلاب اسلامی ایران، طلیعه پیروزی‌های مسلمانان در سایر نقاط جهان اسلام خواهد بود» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰، ۲۶ خرداد).

پذیرش و استقبال مطلوب کشورهای آفریقایی از گفتمان انقلاب اسلامی: انقلاب اسلامی جهانی است و به مرزهای جغرافیایی ایران محدود نمی‌باشد با پیروزی انقلاب اسلامی که برگرفته از تعالیم اسلام ناب محمدی است و همچنین پیوند دین و دنیا و جاری شدن دین در متن جامعه و سیاست و احیای واژه‌های مهجور مانده‌ای مانند جهاد، مقاومت، مبارزه با طاغوت و ظلم و شهادت و شهادت‌طلبی از اصول حاکم بر گفتمان انقلاب اسلامی است که توانسته است در جوامع اسلامی شور جدید ایجاد کند و خیزش‌های اسلامی را در کشورهای آفریقایی به راه بیندازد.

داشتن تفکر مشترک در جهت نابودی رژیم غاصب صهیونیستی: با توجه به اشتراکات مذهبی بین ج.ا.ا. و برخی کشورهای آفریقایی که برگرفته از تعالیم دین مبین اسلام است که تأکید ویژه بر نابودی ظلم و ستم در هر نقطه از جهان دارد خود یک عامل محرک بین ایران و برخی کشورهای آفریقایی برای نابودی رژیم غاصب صهیونیستی می‌باشد.

دوستی و محبت اهل بیت (علیهم‌السلام) در قاره آفریقا: معظم له پیرامون نفوذ محبت اهل بیت (علیهم‌السلام) در شمال قاره آفریقا فرمودند: «همه مردم شیعه در سراسر دنیا، مردم سنی شافعی در شمال آفریقا، یا مالکی در کشورهای آفریقایی مرکزی، این‌ها محب و دوستدار اهل بیت هستند و طریقه‌های عرفانی این‌ها به اهل بیت منتهی

می‌شود» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸، ۲۲ اردیبهشت). همچنین ایشان درباره علاقه سرشار کشورهای شمال آفریقا به اهل بیت (علیهم‌السلام) فرمودند: «حال بحث ما در مورد دشمنان دانا است که سراغ این عقیده آمدند. من سندی را دیدم که مربوط به ده‌ها سال قبل؛ یعنی اوایل ورود استعمار به شمال آفریقا است. کشورهای شمال آفریقا، گرایش بسیاری به اهل بیت دارند. مذهبشان هر مذهبی از مذاهب اسلامی که هست باشد؛ اما محب اهل بیت هستند» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶، ۲۵ آذر).

عقیده به مهدویت در قاره آفریقا: «در کشورهای سودان و مغرب و غیره عقیده به مهدیت خیلی پررنگ است. آن زمان که استعمار وارد مناطق مذکور شد، یکی از مسائلی که مزاحم استعمار شد، عقیده به مهدویت بود. در سندی که من دیدم، بزرگان استعمار و فرماندهان استعماری توصیه می‌کنند که ما باید کاری کنیم که عقیده به مهدویت، به تدریج از بین مردم زایل شود. آن روز استعمارگران فرانسوی و انگلیسی در بعضی کشورهای آن مناطق آفریقایی بودند فرقی نمی‌کند که استعمار از کجا باشد استعماران خارجی، قضاوتشان این بود که تا وقتی عقیده به مهدویت در بین این مردم رایج است، ما نمی‌توانیم کشورهاشان را درست در اختیار گیریم» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶، ۲۵ آذر). ایشان به نقل از یک گزارشگر و مبلغ مسیحیت در شمال آفریقا فرمودند: «یکی از مشکلات ما در سر راه تبلیغ مسیحیت و پیشرفت استعمار در شمال آفریقا و منطقه تونس و مغرب این است که این مردم اعتقاد دارند که مهدی موعود خواهد آمد و اسلام را سر بلند خواهد کرد» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴، ۱۷ دی).

ساختار منافع حاکم بر دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای فرمایشات مقام معظم رهبری در قاره آفریقا

بر اساس رویکرد سازه‌نگاری جریان ونتی، ساختار منافع دارای چهار بخش امنیت هستی‌شناسی، امنیت‌مادی، توسعه و شناسایی است. کنشگران بر اساس این چهار مؤلفه به کنش با سایر بازیگران و تفسیر محیط و ساختار مادی و بازتعریف و دگرگونی و بازتولید ساختار معنایی خود می‌پردازند و بر دیگران نیز اثر می‌گذارند؛ که در ادامه به این موضوع پرداخته شده است:

اتحاد مسلمانان، ایجاد پیمان اسلامی: «من بارها گفته‌ام و هم‌اکنون هشدار می‌دهم که اگر شرق ستم‌کشیده و آفریقا به خودشان متکی نباشند تا ابد گرفتارند. بیایید روی پای خودتان بایستید و بر غرب بتازید و آنان را از میدان به در کنید. من از گوشه بیمارستان به آفریقا و شرق زیر سلطه و تمام کشورهای تحت ستم اخطار

می‌کنم که متحد شوید و دست امریکای جنایتکار را از سرزمین‌های خود قطع کنید» (آیت‌الله خمینی، ۱۳۶۸). «اگر میان ملت‌های مسلمان و میان فرقه‌های اسلامی و اقوام مسلمان با یکدیگر، محبت و حسن‌ظن و همدلی، جای بدگمانی و بدبینی را که خواسته دشمنان است بگیرد، بخش اعظم توطئه و تدبیر بدخواهان را خنثی خواهد کرد و نقشه‌های شوم آنان را برای سیطره‌روزی بر امت اسلامی عقیم خواهد ساخت» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸، ۵ آذر).

همکاری کشورهای مستقل با یکدیگر: معظم رهبری تقسیم کشورها به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر را غیرمعقول و ناعادلانه دانستند و افزودند: کشورهای آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین می‌توانند با گسترش همکاری‌های خود وضع کنونی روابط بین‌المللی را معظم رهبری تقسیم کشورها به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر را غیرمعقول و ناعادلانه دانستند و افزودند: «کشورهای آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین می‌توانند با گسترش همکاری‌های خود وضع کنونی روابط بین‌المللی را تغییر دهند. آمریکا و اسرائیل با نزدیک شدن کشورهای مستقل به یکدیگر مخالف‌اند به همین دلیل، همواره نقشی اساسی در فجایع آفریقا و ایجاد جنگ‌های قومی - قبایلی و سیاسی داشته‌اند» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷، ۳۱ اردیبهشت).

استفاده از ظرفیت‌های یکدیگر: مقام معظم رهبری توجه رئیس‌جمهور کشور مالی را به‌ضرورت استفاده کشورهای آفریقایی و آسیایی از امکانات، تجارب و دانش یکدیگر جلب کردند و تلاش ملت مسلمان مالی را در جهت بازسازی کشور خود حرکتی به سمت اهداف اسلامی دانستند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۳، ۱۰ اردیبهشت).

عضویت ۲۷ کشور آفریقایی در سازمان همکاری‌های اسلامی (OIC): این سازمان مجموعه گسترده‌ای از کشورهای اسلامی را گرد هم آورده و بزرگ‌ترین سازمان بین‌المللی بعد از سازمان ملل متحد محسوب می‌شود و به‌طور بالقوه قدرت عظیمی از بعد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را به وجود آورده است. مجموعه کشورهای آفریقایی عضو این سازمان، ۲۷ کشور می‌باشند که درصد قابل توجهی از اعضاء آراء تشکیل می‌دهند و علیرغم این که غالب آن‌ها صرفاً به جهت اخذ مساعدت اقتصادی و کمک گرفتن از آراء و امکانات دیگر کشورهای اسلامی در رفع برخی مشکلات خود، به عضویت این سازمان درآمده‌اند. به‌طور مسلم سازمان کنفرانس اسلامی که نقش مؤثری در کمک به حل و فصل بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در کنار سازمان ملل متحد دارد. به‌عبارت‌دیگر عضویت ۲۷ کشور آفریقایی در سازمان همکاری‌های اسلامی پشتوانه محکمی برای ج.ا.ا است که در ابعاد

سیاسی، اقتصادی و فرهنگی قابل بررسی می‌باشد.

عضویت ایران در اتحادیه آفریقا به‌عنوان عضو ناظر و شریک راهبردی: مسئله عضویت یا عضویت ناظر در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی دارای پیامدها و آثاری بر منافع اقتصادی و سیاسی کشورها است. حضور سیاسی و اقتصادی ج.ا.ا در آفریقا باهدف کمک به ملت‌های آفریقایی و نیز کسب منافع اقتصادی برای ج.ا.ا صورت می‌گیرد. هدف اساسی اتحادیه آفریقا، هدایت این قاره به سمت صلح و امنیت و توسعه پایدار است که با توجه به راهبرد مشترک ج.ا.ا و اتحادیه آفریقا عامل ترغیب‌کننده مهمی برای همکاری و عضویت در آن می‌باشد (شفیعی، ۱۳۹۰).

استراتژی سقوط ندادن انقلاب: «احمد سکوتوره، رئیس‌جمهور گینه که جزو شخصیت‌های سیاسی برجسته آفریقا بود و آدم مستقلی هم بود، چند بار آمد ایران؛ اوایل ریاست جمهوری بنده بود که او با یک هیئتی آمده بودند برای اینکه از ما درخواست کنند که ما با عراق آتش‌بس بدهیم؛ تازه یکی دو سالی بود که جنگ شروع شده بود، آمده بودند برای اینکه بلکه آتش‌بس ایجاد کنند، اما او خصوصی به من گفت که این را شما بدانید که این جنگ ناگزیر بود برای شما مضمون حرفش این بود برای خاطر اینکه هر انقلابی که نتواند آن را ساقط کنند و ملت انقلابی را به‌زانو دریاورند، نهایتش یک چنین جنگی است؛ یک چنین جنگی حتماً تحمیل می‌شود و نمونه‌هایی را ذکر می‌کرد که این [طور] شده و این کار هم کار قدرت‌های استکباری است» (۳۰/۰۶/۱۴۰۱). این موضع رهبری، یک تفسیر استراتژیک از جنگ را به دست دیپلماسی فرهنگی می‌دهد: جنگ تحمیلی، نه یک نقطه‌ضعف، بلکه سند اعتبار و توانایی ایران در مقاومت در برابر پروژه جهانی سلطه است. این سند، مهم‌ترین ابزار فرهنگی برای ایجاد اعتماد در میان ملت‌های آفریقایی است که خود هنوز درگیر مبارزه با اشکال جدید استعمار (اقتصادی و فرهنگی) هستند.

ابطال استراتژی انزوا و تعریف مجدد موفقیت: «پیشرفت در حوزه روابط خارجی. غربی‌ها فشار آوردند که ایران را منزوی کنند؛ آمریکا و اروپایی‌ها فشار آوردند که ایران منزوی بشود» (انزوا در اصطلاح سیاست خارجی یعنی قطع رابطه با کشورها؛ [وقتی] کشورها با یک کشوری رابطه نداشته باشند، می‌گویند منزوی شد؛ آنچه اتفاق افتاد، نتیجه عکس داد. بله رابطه ما با غربی‌ها ضعیف شد با آمریکا که رابطه نداشتیم، با اروپا هم رابطه ما ضعیف شد اما ما رابطه خودمان را با آسیا صد درصد محکم‌تر کردیم؛ بعد از این هم همین را ادامه خواهیم داد؛ ما ارتباطات سیاسی و اقتصادی و فنی

و علمی خودمان را با بخش مهم کشورهای آسیا ادامه خواهیم داد. در بخشی از پیمانهای مهم عضو شدیم؛ دشمن می‌خواست ما را منزوی کند، تلاش و توانایی‌های ملت ایران موجب شد که ما بتوانیم در بخشی از پیمانهای منطقه‌ای مهم و مؤثر عضو بشویم؛ منزوی که نشدیم، به‌عکس، مطرح شدیم و روابطمان با دولت‌های منطقه و ملت‌های منطقه تقویت شد. ارتباطات قوی با آفریقا و آمریکای لاتین جزو برنامه‌های حتمی ما است و ان‌شاءالله این برنامه را دنبال خواهیم کرد. البته با اروپا هم قهر نیستیم؛ با هر کدام از کشورهای اروپایی و دولت‌های اروپایی هم که سیاست‌های آمریکا را کورکورانه تبعیت نکنند، حاضریم کار کنیم» (۲۰۱۰/۱/۱۴۰۲). این رویکرد، توانایی ایران در ایجاد شکاف در اردوگاه غرب را نشان می‌دهد و القا می‌کند که سیاست‌های آمریکا جهان‌شمول نیست. در نتیجه، دیپلماسی فرهنگی می‌تواند با نخبگان اروپایی که منتقد سیاست‌های دولت خود در قبال ایران هستند، ارتباط هدفمند برقرار کند. همچنین آفریقا و آمریکای لاتیم به‌عنوان شرکای استراتژیک و دارای مشترکات تاریخی در زمینه مبارزه با استعمار تعریف می‌شوند. همکاری با این کشورها، به معنای تقویت جبهه ضد هژمونی جهانی است.

ساختار مادی حاکم بر دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای فرمایشات مقام معظم رهبری در قاره آفریقا

ثروت غنی و امکانات طبیعی: «کشورهای آفریقایی بر روی دریایی از منابع طبیعی بسیار حیاتی و لازم برای مردمانشان زندگی می‌کنند. در آنجا الماس هست، مواد معدنی بسیار هست که بشر به آن احتیاج دارد» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹، ۲۴ آبان). همچنین معظم له پیرامون استفاده از استعدادهای بالقوه و ذاتی و به ثمر رسیدن آن‌ها فرمودند: «کشورهای آفریقایی به‌رغم تلاش قدرت‌ها برای جلوگیری از بهره‌مندی مردم آفریقا از تمدن، فرهنگ غنی و مواهب طبیعی، با تحرک و نشاط علمی و عملی می‌توانند استعدادهای خود را به فعلیت برسانند» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴، ۸ تیر).

استعداد انسانی: ایشان درباره اصالت و استعداد مردم آفریقا گفتند: «ملت‌های آفریقایی ملت‌های اصیلی می‌باشند و آفریقا مرکز استعدادهای طبیعی و انسانی فراوان است به گونه‌ای که شخصیت‌های برجسته‌ای در طول ده‌ها سال گذشته از آفریقا ظهور کرده‌اند» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹، ۲۲ دی).

تمدن و فرهنگ غنی (فرهنگ شمال قاره آفریقا و ملت‌های اصیل قاره آفریقا): مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) با اشاره به تمدن و فرهنگ غنی و همچنین مواهب

طبیعی کشورهای قاره آفریقا بیان کردند: «به‌رغم تلاش قدرت‌ها برای جلوگیری از بهره‌مندی مردم آفریقا از این مزایا، کشورهای آفریقایی با تحرک و نشاط علمی و عملی می‌توانند استعدادهای خود را به فعلیت برسانند» (آیت‌الله خامنه‌ای: ۱۳۸۴، ۸ تیر).

حضور تعداد زیادی از شیعیان در ۲۷ کشور قاره آفریقا: نفوذ دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قاره آفریقا از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران و به سفارش امام خمینی (ره) انجام شد تا انقلاب اسلامی به تمام نقاط دنیا و کل قاره آفریقا صادر شود برای مثال در غرب آفریقا به دلیل اینکه کمربند اسلامی بزرگی را در قاره آفریقا تشکیل می‌دهد یکی از مهم‌ترین مناطق موردتوجه ایران از زمان پیروزی انقلاب اسلامی است رسال ۲۰۲۳، نیجریه با حدود ۹۹ میلیون نفر که به یک فرقه اسلامی تعلق داشتند، دارای بیشترین جمعیت مسلمان در آفریقا بود. مصر و الجزایر به ترتیب با ۸۷/۵ میلیون و ۴۱/۲ میلیون مسلمان در رتبه‌های بعدی قرار دارند. مسلمانان در آفریقا حضور قابل‌توجهی دارند و تخمین زده می‌شود که ۵۰ درصد از جمعیت این قاره مسلمان هستند. گسترش اسلام در آفریقا از قرن هفتم با ورود تجار عرب آغاز شد و از طریق علما و مبلغان اسلامی ادامه یافت (Galal, 2023 Saifaddin)؛ و علاوه بر آن مراکز و کانون‌های شیعیان مثل مسجد شیعیان خوجه و حوزه‌های علمیه همچون حوزه علمیه حضرت ابوالفضل (ع) و حضرت زهرا (س) و حوزه علمیه امام محمدباقر (ع) در شهر تانگا، حوزه علمیه الصفا (النجاح) جزیره لامو و مراکز آموزشی بزرگ شیعیان بسیار زیاد می‌باشند که باعث گسترش دین اسلام و مذهب شیعه اثنی عشری می‌شود که یک ظرفیت بالقوه عظیم در عرصه دیپلماسی فرهنگی و نفوذ نرم است.

احترام به تنوع مذهبی و زبانی در آفریقا: «من البتّه خواندن اختلاف قرائت را رد نمی‌کنم، اما محدود. قرائت وِرش از این جهت مهم است که در شمال آفریقا و در غرب دنیای اسلام، قرائت رایج است. خود وِرش سال‌ها در مصر زندگی می‌کرده هم وِرش و هم قالون، اصلاً در مصر زندگی می‌کردند سال‌های متمادی وِرش در مصر بوده؛ لذا قرائت وِرش در مصر و در شمال آفریقا و در تونس و مانند اینها معروف است. قرآن‌هایی طبق قرائت وِرش و طبق قرائت قالون آنجاها چاپ شده که برای ما هم فرستاده‌اند بنده دیده‌ام. این قرائت وِرش است؛ بنابراین، خواندن قرائت وِرش ایرادی ندارد، چون یکی از قرائت‌های رایج است؛ ولو حالا نه به قدر قرائت حفص، اما بالاخره رایج است. این خوب است» (۱۴۰۴/۰۱/۱۴). این تأکید بر مشروعیت قرائت وِرش، یک سیگنال مهم در حوزه دیپلماسی نرم است. این امر به ایران اجازه می‌دهد

تا با یک دست، بر حمایت از استقلال منطقه‌ای (بوروندی و اتحادیه آفریقا) تأکید کند و با دست دیگر، از طریق پذیرش سازنده تنوع مذهبی- فرهنگی در مناطقی مانند شمال آفریقا، پایگاه اعتماد خود را در میان نخبگان محلی مستحکم‌تر سازد. این یک رویکرد مبتنی بر تسامح استراتژیک است.

راهبردهای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای فرمایشات مقام معظم رهبری در قاره آفریقا

اقدامات مؤثر سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

یکی از عوامل بسیار مهم و مؤثر در گسترش دیپلماسی فرهنگی و نفوذ قدرت نرم در آفریقا استفاده از ظرفیت عظیم و بالقوه سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی است. این سازمان در عرصه دیپلماسی فرهنگی و نفوذ قدرت نرم در قاره آفریقا اقدامات چشمگیر و فعالیت‌های مؤثری را انجام داده است، به طوری که اقدام به تأسیس مراکز شیعی نموده است و مذهب تشیع را در برخی از دانشگاه‌های آفریقا تبلیغ می‌کند برای مثال شعبه‌ای از جامعه المصطفی العالمیه را در دو کشور سنگال و غنا را تأسیس کرده است که مذهب شیعه و فرهنگ و تاریخ ایران و زبان فارسی را در آن تدریس می‌کند و همچنین در کشور نیجریه یک سازمان اسلامی تأسیس کرده است که به طور علنی و آشکار به حمایت از جایگاه ولایت فقیه و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) می‌پردازد و اعتقادات شیعه را از طریق روزنامه (المیزان) به زبان هوسایی منتشر و تبلیغ می‌کند و شبکه گسترده‌ای از مدارس و مراکز فرهنگی و اجتماعی و بیمارستان‌ها در شمال و جنوب نیجریه را مدیریت می‌کند و به جوانان نیجریه برای تحصیل در ایران بورس تحصیلی می‌دهد. (ایمانی‌پور، ۱۴۰۲).

رسوم و سنت‌های کهن ایران

عامل مهم دیگر برای گسترش دیپلماسی فرهنگی و نفوذ قدرت نرم در آفریقا آداب و رسوم و آیین‌های قدیم ایران است که در صورت داشتن یک برنامه میان‌مدت و بلندمدت فرهنگی و نشان دادن جذابیت‌های آن به مردم آفریقا می‌تواند به عنوان یک عامل قدرتمند در راستای گسترش دیپلماسی فرهنگی و نفوذ قدرت نرم در آفریقا محسوب شود که نمونه بارز آن جشن نوروز است که به عنوان یکی از قدیمی‌ترین جشن‌های تمدن بشری است که ریشه در تمدن چند هزارساله ایران دارد و منجر به تقویت و تحکیم همبستگی و صلح میان انسان‌ها می‌گردد.

ایجاد مدارس و مؤسسات اسلامی در قاره آفریقا با همکاری جامعه المصطفی العالمیه
یکی از راه‌های گسترش دیپلماسی فرهنگی و نفوذ قدرت نرم در آفریقا، ایجاد مدارس و مؤسسات اسلامی در آفریقا است که مردم آفریقا با فرهنگ و معارف والای اسلام و مذهب شیعه آشنا شوند. برای مثال در حال حاضر بیش از ۳۵ موسسه و مدرسه علمیه از جمله حوزه اهل‌البیت (علیهم‌السلام) در آروشا، حوزه علمیه المصطفی (ص)، حوزه علمیه‌التعلیم والتربیه، ابوذر غفاری، حوزه علمیه مدینه‌العلم المصطفی، حوزه علمیه امام صادق علیه‌السلام بوروندی و مؤسسه بلال مسلم میشن و ... با حمایت و کمک‌های جامعه المصطفی العالمیه برای گسترش معارف اسلامی در قاره آفریقا تأسیس شده است (شاهدی، ۱۳۹۷).

شکلیں سازمان‌های فعال فرهنگی و حمایت از آن‌ها در قاره آفریقا

از عوامل مهم گسترش دیپلماسی فرهنگی و نفوذ قدرت نرم در آفریقا تشکیل سازمان‌های فعال فرهنگی و حمایت از آن‌ها در آفریقا است که باعث ایجاد رفاه در آفریقا می‌شوند و می‌توان گفت یک پشتوانه عظیمی اجتماعی و انسانی برای ج.ا.ا محسوب می‌شوند و در مواردی باعث تسهیل شدن اقدامات ج.ا.ا در آفریقا می‌شود. برای مثال انجمن‌های خیریه مذهبی مانند سازمان‌های غیردولتی مسلمانان، با تمرکز بر طیف گسترده‌ای از خدمات رفاهی، پزشکی، آموزشی و کمک‌های بشردوستانه فعالیت دارند. یکی از این اقدامات رفاهی جمع‌آوری زکات از ۲۰۰ میلیارد دلار تا ۱ تریلیون دلار در سال در سراسر جهان و حدود ۱۸۷ میلیون دلار در میان کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اسلامی گردش مالی دارد؛ بنابراین، نه تنها کشورهای مسلمان بلکه سازمان‌های غیردولتی مسلمان نیز علاقه خود را برای بسیج زکات برای کاهش فقر در کشورهای مسلمان و همچنین برای توسعه بین‌المللی و پروژه‌های بشردوستانه معطوف کرده‌اند.

تشکیل انجمن‌های دوستی ایران و قاره آفریقا

یکی از راه‌های گسترش دیپلماسی فرهنگی و نفوذ قدرت نرم در آفریقا تشکیل انجمن‌های دوستی ایران و آفریقا است. این انجمن‌ها در توسعه و تحکیم روابط دوجانبه، پیشبرد اهداف مشترک ایران و آفریقا، فعالیت‌های فرهنگی در جهت گسترش تفکرات، اندیشه‌ها و آداب‌ورسوم میان ایران و آفریقا نقش مهمی دارند.

ایجاد رابطه دوستی و همبستگی با اهل سنت و مسیحیان در قاره آفریقا

از عوامل گسترش دیپلماسی فرهنگی و نفوذ قدرت نرم در آفریقا ایجاد رابطه دوستی و الفت با اهل سنت و مسیحیان در آفریقا است که به‌طور طبیعی باعث می‌شود به دین

اسلام علاقه‌مند شوند و تبدیل به یک پشتوانه محکم برای ج.ا.ا شود.

گسترش زبان در قاره آفریقا با استفاده از ظرفیت‌های بنیاد سعدی

یک عامل تأثیرگذار برای گسترش دیپلماسی فرهنگی و نفوذ قدرت نرم در آفریقا گسترش زبان و ادبیات فارسی در میان مردم آفریقا و دانشگاه‌های آفریقا است. بنیاد سعدی وظیفه آموزش زبان فارسی در جهان را که امری بسیار مهم و خطیر است به عهده دارد و در این راه همواره سفیران، رایزنان نقش مهمی دارند (بابا شمس، ۱۳۹۹). مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) همواره بر اهمیت ادبیات فارسی تأکید می‌کند و معتقدند آموزش زبان فارسی یکی از کارهای مهم یک رایزن فرهنگی است. هر کس که با ادبیات و زبان فارسی آشنا شود به همان اندازه با دین اسلام آشنا شده است. کودکان ایرانی‌تباری در آفریقا وجود دارند که در این کشور متولد شده‌اند و متأسفانه نمی‌توانند به زبان فارسی صحبت کنند، بخوانند و بنویسند (محسن‌زاده، ۱۳۹۹).

ایجاد رشته ادبیات فارسی و رشته ایران‌شناسی در دانشگاه‌های قاره آفریقا

عامل مهم برای گسترش دیپلماسی فرهنگی و نفوذ قدرت نرم در آفریقا ایجاد رشته ادبیات فارسی و رشته ایران‌شناسی در دانشگاه‌های آفریقا است که باعث می‌شود فرهیختگان و جوانان آفریقا با غنای زبان و ادبیات فارسی و همچنین فرهنگ کهن ایران و آداب و رسوم ایران آشنا شوند. برای مثال دانشگاه ژوهانسبورگ اعلام آمادگی کرده که زبان فارسی به‌عنوان زبان دوم در این دانشگاه تدریس شود (محسن‌زاده، ۱۳۹۹).

گسترش موسیقی اصیل سنتی در قاره آفریقا

عامل مهم برای گسترش دیپلماسی فرهنگی و نفوذ قدرت نرم در آفریقا اهمیت دادن به موسیقی اصیل سنتی ایران است. با توجه به اینکه شعرا، بسیاری از مضامین والای انسانی و عرفانی و اجتماعی را در قالب شعر و غزل بیان می‌کنند و از طرفی خوانندگان معروف ایرانی از ابیات و غزلیات آن‌ها استفاده می‌کنند، ج.ا.ا می‌تواند با استفاده از خوانندگان و نوازندگان مشهور ایرانی به برپایی کنسرت‌های متعدد بپردازد و از این ظرفیت بالقوه برای گسترش دیپلماسی فرهنگی و نفوذ قدرت نرم در آفریقا استفاده نماید.

توجه به سران قبایل و طوایف در قاره آفریقا

یک عامل مهم برای توسعه دیپلماسی فرهنگی و نفوذ قدرت نرم در آفریقا توجه و اهمیت دادن به سران قبایل و طوایف در آفریقا است. چون سایر اعضای قبیله احترام خاصی برای رئیس قبیله قائل می‌شوند به‌طوری‌که حرف رئیس قبیله و طایفه را بر حرف خود ترجیح

می‌دهند، ج.ا.ا می‌تواند با ایجاد ارتباط مؤثر و تنگاتنگ و حتی مشاوره دادن به سران قبائل و طوایف از این ظرفیت بالقوه و عظیم نهایت استفاده را داشته باشد.

بحث

تحلیل محتوای فرصت‌ها و راهبردهای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قاره آفریقا، به‌وضوح فرضیه اصلی مبنی بر سودمندی این توسعه روابط را تأیید می‌کند؛ به‌ویژه آنکه این راهبرد همسو با توصیه‌ها و تأکیدات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) بر اهمیت راهبردی آفریقا به‌عنوان عرصه‌ای بکر برای صدور ارزش‌ها و مقابله بانفوذ قدرت‌های سلطه‌گر است. دیدگاه رهبری بر لزوم پرهیز از الگوهای غربی و ترویج گفتمان مقاومت و عدالت‌محور تأکید دارد. دیپلماسی فرهنگی با تمرکز بر مفاهیمی نظیر عدالت‌خواهی، استقلال‌طلبی و مقابله با استعمار نوین (که در بسیاری از کشورهای آفریقایی سابقه تاریخی دارد)، موفق به ایجاد پیوند عاطفی و اعتقادی با نخبگان و توده‌های آفریقایی می‌شود. این پیوند، زمینه‌ساز پذیرش سیاسی و اقتصادی است. قاره آفریقا با گستره وسیع کشورهای مسلمان، میراث فرهنگی مشترک (به‌ویژه در شرق و شمال آفریقا) و نیاز مبرم به توسعه انسانی، یک بستر ایدئال برای ایران فراهم می‌کند تا خود را به‌عنوان شریک توسعه و نه صاحب قدرت مسلط معرفی نماید. سرمایه‌گذاری فرهنگی در حوزه‌هایی نظیر آموزش، رسانه و دین، نفوذ بلندمدت و پایداری ایجاد می‌کند که نفوذ سیاسی معمولاً قادر به ایجاد آن نیست. درحالی‌که قدرت‌های بزرگ بر ابزارهای اقتصادی و نظامی تمرکز دارند، ایران می‌تواند از طریق دیپلماسی فرهنگی عمیق‌تر و اصیل‌تر (مانند اعزام مبلغان، پزشکان، اساتید و هنرمندان)، شکاف‌های موجود در روابط سنتی آفریقا با غرب را پر کند. این امر مستقیماً به نفع ایران است، زیرا هرچه وابستگی فرهنگی آفریقا به غرب کمتر شود، فضای مانور سیاسی و اقتصادی ایران در این قاره گسترده‌تر خواهد شد. نفوذ فرهنگی، درنهایت به تسهیل مسیرهای تجاری و سرمایه‌گذاری در آینده منجر می‌شود. باز شدن گشایش‌های فرهنگی، اعتماد ایجاد می‌کند و این اعتماد، مانع اصلی در ورود به بازارهای آفریقایی (به دلیل ریسک‌های سیاسی و امنیتی) را کاهش می‌دهد. این یک سرمایه‌گذاری غیرمستقیم در زیرساخت‌های سیاسی و اجتماعی برای آینده اقتصادی است. از سویی دیگر جمهوری اسلامی جهت انجام فعالیت‌های فرهنگی نیازمند بسترسازی مناسب جهت فعالیت‌های اقتصادی است و بدون فعالیت‌ها و مراودات اقتصادی مناسب بین ج.ا.ا و قاره آفریقا امکان تأثیرگذاری فعالیت‌های فرهنگی ضعیف و چه‌بسا با تأثیرگذاری منفی همراه باشد. چنانچه مدل حضور و ارتباط ج.ا.ا با کشورهای آفریقایی

اقتصادی باشد در ذیل فعالیت‌های اقتصادی می‌توان تأثیرگذاری فرهنگی داشت و به راه‌اندازی مؤسسات، مدارس و مراکز فرهنگی تأثیرگذار اقدام کرد. یکی از مناطقی که از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی جایگاه خاصی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دارد قاره آفریقا است، از ایجاد روابط فرهنگی بخشی از روابط خارجی و دیپلماتیک است و دیپلماسی فرهنگی، ابزاری برای تحقق و حفظ آن است جزو اولویت‌ها و برنامه‌ریزی‌های دستگاه سیاست خارجی ج.ا.ا قرار گرفت که نتیجه آن ایجاد همکاری در سطوح مختلف با کشورهای آفریقایی شد به طوری که دولت سیزدهم سیاست خارجی خود در قاره آفریقا را بر اساس توسعه و گسترش همه‌جانبه روابط خود با کشورهای آفریقایی بدون اتکای صرف به کشورهای شرقی و غربی به تناسب ظرفیت و اقتضائات هر کشور در این قاره قرار داده است. با توجه به اینکه بازیگران غربی و اروپایی برقراری روابط دیپلماتیک و سیاسی ج.ا.ا با کشورهای قاره آفریقا را با ارزش می‌دانند و با روش‌های مختلف همچون تحریم‌های بین‌المللی به دلیل اینکه بسیاری از کشورهای آفریقایی که از نظر سیاسی ضعیف هستند، از ارتباط با ایران چندان استقبال نمی‌کنند و به نظرشان ارتباط با ایران ریسک بزرگی است و ممکن است مشکلاتی در عرصه بین‌المللی برای آن‌ها پیش بیاید مانع برقراری روابط دیپلماتیک و سیاسی ج.ا.ا با کشورهای آفریقایی می‌شوند. از سویی دیگر ج.ا.ا نماد استقلال و مقاومت در برابر استعمارگران در آفریقا است و از سوی دیگر دارای تمدن و فرهنگ غنی هست؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که توسعه روابط دیپلماتیک فرهنگی با قاره آفریقا نه تنها یک فرصت، بلکه یک ضرورت استراتژیک محوری برای جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. این امر در راستای تحقق کامل اهداف بلندمدت انقلاب اسلامی و تثبیت جایگاه ایران در نظم نوین جهانی است. شکافی که غرب با تلاش برای انزوای ایران ایجاد کرد، با استحکام بخشی صددرصدی روابط با آسیا و به ویژه با اتخاذ جهت‌گیری فعالانه به سوی جنوب، جبران شده است. آفریقا به دلیل تجربه تاریخی مشترک در مبارزه با استعمار، تبدیل به زمینه‌ای ایدئال برای اثبات عملی الگوی استقلال و ضدیت با هژمونی می‌شود؛ الگویی که در آن، ایران به جای اتکا به قدرت‌های غربی، بر تقویت پیوندهای مردمی و تمدنی تکیه دارد. در واقع توسعه دیپلماسی فرهنگی در آفریقا، نه تنها یک ضرورت برای تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی است، بلکه یک ضرورت راهبردی برای منافع ملی در چارچوب سیاست خارجی چندوجهی ایران محسوب می‌شود. این مسیر، با تمرکز بر نقاط مشترک فکری و فرهنگی و پرهیز از نگاه سلطه‌گرایانه، پتانسیل عظیمی برای تغییر توازن نفوذ در قاره آفریقا به سود جمهوری اسلامی ایران دارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بر اساس تحلیل صورت‌گرفته از بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) و با بهره‌گیری از چارچوب نظری سازه‌نگاری، می‌توان نتیجه گرفت که قاره آفریقا نه تنها به دلیل ظرفیت‌های مادی همچون منابع طبیعی غنی، استعدادهای انسانی و تمدن کهن، بلکه به واسطه اشتراکات معنایی عمیق نظیر خاطره مشترک استعمار، گفتمان عدالت‌خواهی، روحیه استکبارستیزی و گرایش به ارزش‌های اسلامی و مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام)، یک عرصه راهبردی و بی‌بدیل برای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان داد که ساختار معنایی حاکم بر روابط، بستر مناسبی برای بازتولید هویت مقاومت و هم‌افزایی گفتمانی ایران و ملت‌های آفریقایی فراهم آورده است. در بعد منافع نیز، مؤلفه‌هایی همچون اتحاد اسلامی، همکاری کشورهای مستقل و بهره‌مندی از ظرفیت‌های متقابل، می‌توانند نقشه راهی مؤثر برای تنظیم روابط فرهنگی و سیاسی باشند. همچنین، حضور چشمگیر شیعیان در ۲۷ کشور آفریقایی و نهادهای فرهنگی فعال نظیر جامعه المصطفی‌العالمیه و بنیاد سعدی، ظرفیت‌های عینی و عملیاتی ارزشمندی را در اختیار ایران قرار داده است. در مجموع، می‌توان ادعان داشت که دیپلماسی فرهنگی، در کنار دیپلماسی اقتصادی و سیاسی، یک رکن اساسی برای نفوذ هوشمندانه و پایدار جمهوری اسلامی ایران در آفریقا به شمار می‌رود و می‌تواند ضمن تقویت قدرت نرم ایران در سطوح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، به عنوان الگویی کارآمد برای مقابله با نظام سلطه و ارائه گفتمانی مستقل و عدالت‌محور در نظم بین‌المللی آینده ایفای نقش نماید؛ بنابراین، بازتعریف راهبردهای فرهنگی بر اساس فرمایشات رهبری، سرمایه‌گذاری هدفمند بر روی نهادهای فرهنگی و آموزشی و همچنین ایجاد پیوند میان فعالیت‌های فرهنگی و مناسبات اقتصادی، می‌تواند به تحقق چشم‌انداز ایران تأثیرگذار و الهام‌بخش در ژئوپلیتیک جدید آفریقا منجر شود. بدین‌سان، این پژوهش نشان می‌دهد که قاره آفریقا نه یک حاشیه، بلکه یک کانون کلیدی و ضرورت‌آفرین در راهبرد کلان فرهنگی-سیاسی جمهوری اسلامی ایران است که غفلت از آن، به‌منزله غفلت از فرصت‌های بزرگ تاریخی و تمدنی خواهد بود.

با عنایت به یافته‌های پژوهش مبنی بر وجود فرصت‌های غنی فرهنگی، معنایی و مادی در قاره آفریقا و تأکیدات مکرر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) بر لزوم گسترش همه‌جانبه روابط با این قاره، پیشنهاد می‌گردد که جمهوری اسلامی ایران ضمن تدوین یک سند جامع راهبردی بلندمدت برای دیپلماسی فرهنگی در آفریقا مبتنی بر گفتمان «تمدنی-مقاومت» و

پرهیز از رویکردهای انحصاری، به تقویت همکاری‌های فرهنگی در کنار مناسبات اقتصادی (به‌عنوان بستری برای نفوذ پایدار) بپردازد و با گسترش شبکه مدارس و حوزه‌های علمیه از طریق جامعه المصطفی‌العالمیه، ایجاد کرسی‌های زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه‌های کلیدی آفریقا با همکاری بنیاد سعدی، حمایت از انجمن‌های دوستی و سازمان‌های فرهنگی مردمی، بهره‌گیری از ظرفیت رسانه‌های محلی و شبکه‌های اجتماعی، ارتباط مستمر با سران قبایل و طوایف به‌عنوان رهبران تأثیرگذار اجتماعی، برگزاری رویدادهای مشترک فرهنگی همچون جشن نوروز و هفته‌های فرهنگی و همچنین تربیت دیپلمات‌های متخصص و آشنا به فرهنگ‌ها و زبان‌های آفریقایی، زمینه‌های نفوذ مؤثر و ماندگار را فراهم آورد. درعین‌حال، ضروری است با ایجاد یک «مصدخانه فرهنگی آفریقا» به پایش مستمر تحولات پرداخته و با انجام پژوهش‌های میدانی درباره تأثیرات فعالیت‌های فرهنگی و نیز مطالعات تطبیقی با دیگر قدرت‌های حاضر در آفریقا، راهکارهای عملیاتی را به‌روز نموده و موانعی همچون تحریم‌ها، رقابت‌های منطقه‌ای و تصویرسازی منفی رسانه‌های غربی را از طریق دیپلماسی عمومی فعال و هوشمندانه مدیریت نماید. تحقق این مهم، نیازمند هماهنگی بین‌دستگاهی، تخصیص بودجه اختصاصی و اراده سیاسی مستمر در بالاترین سطوح نظام است تا دیپلماسی فرهنگی در آفریقا از حالت فعالیت‌های مقطعی و موردی خارج شده و به یک راهبرد دائمی، سازمان‌یافته و اثرگذار در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تبدیل گردد.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

منابع و مآخذ

- رسولی، مجید (۱۴۰۲). دیپلماسی علمی، خبرگزاری ایرنا. <http://www.irna.ir>
- سازمند، بهاره (۱۳۸۴). تحلیل سازه‌نگارانه از هویت ملی در دوران جنگ تحمیلی، فصلنامه مطالعات ملی، ۲۲ (۱)، ۳۹-۷۰.
- شاهدی، سیدمحمد (۱۳۹۷). حوزه نیوز. <http://www.hawzahnews.com>
- شفیعی، نوذر و سعیده شریعتی (۱۳۹۰). تحلیل فرصت‌ها و چالش‌های عضویت ناظر ایران در اتحادیه آفریقا، تحقیقات سیاسی و بین‌الملل، ۳ (۸)، ۸۱-۹۷.
- شریعتی، نوذر (۱۳۹۰). تحلیل فرصت‌ها و چالش‌های عضویت ناظر ایران در اتحادیه آفریقا. تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ۳ (۸)، ۸۱-۹۷.
- عظیم‌زاده اردبیلی، محمدمنصور، مسعودنیا، حسین و سیدجواد امام‌جمعه‌زاده (۱۳۹۶). تحلیل سازه‌نگارانه سیاست خارجی نوین ترکیه و رقابت با جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، ۱۰ (۳۸)، ۹۵-۱۲۸.
- قاضی‌زاده هاشمی، زهرا سادات (۱۴۰۲). الگوی دیپلماسی فرهنگی در دیدگاه مقام معظم رهبری، مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی، ۱ (۲)، ۱۴۳-۱۶۴. <https://doi.org/10.22034/irsj.2024.426942.1021>
- مکرمی پور، محمدباقر، باصری، روح‌اله، سامیار لایقی (۱۴۰۳). عوامل مؤثر بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قاره آفریقا، پژوهشنامه ایرانی روابط بین‌الملل، ۴ (۱)، ۱۱۰-۱۳۱.
- متقی، افشین، رشیدی، مصطفی و حمید الهیاری‌بک (۱۳۹۲). جغرافیای فرهنگی و تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر جغرافیای برساخت‌گرا، مجله سیاست دفاعی، ۲۱ (۸۳)، ۱۲۱-۱۴۵.
- مرادی، مریم، موسوی‌زاده، علیرضا، کاظمی زند، سیدعلی اصغر و محمدرضا دهشیری (۱۳۹۹). راهبرد دیپلماسی عمومی ایران در آفریقا، نشریه دانش سیاسی، ۱۶ (۱)، ۲۷۵-۳۰۴. <https://doi.org/10.30497/pk.2020.2687>
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۶). تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، انتشارات سمت.
- روزنامه فرهیختگان (۱۴۰۱، ۶ مرداد). دیپلماسی اقتصادی، فرهیختگان دیلی.
- <http://www.farhikhtegandaily.com>
- سخنان مقام معظم رهبری در دیدار با رئیس‌جمهور کشور گینه بیسائو (۱۳۸۹، ۱۸ مرداد) <https://www.leader.ir>
- سخنان مقام معظم رهبری در دیدار با روحانیون در امور اهل سنت سیستان و بلوچستان (۱۳۷۰، ۲۷ آبان) <https://www.leader.ir>
- سخنان مقام معظم رهبری در دیدار با طلاب و فضلالی حوزه علمیه قم (۱۳۷۰، ۱ اسفند) <https://www.leader.ir>
- سخنان مقام معظم رهبری در دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران (۱۳۶۹، ۲۹ شهریور) <https://www.leader.ir>

سخنان مقام معظم رهبری در دیدار با رئیس‌جمهور کشور مالی (۱۳۸۴، ۸ تیر) <https://www.leader.ir>

سخنان مقام معظم رهبری در دیدار با مردم استان مرکزی (۱۳۷۹، ۲۴ آبان) <https://www.leader.ir>

بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی (۱۳۸۵) <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252>

سخنان مقام معظم رهبری در دیدار دانشگاهیان سمنان ۱۳۸۵/۰۸/۱۸

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3362>

سخنان مقام معظم رهبری در مراسم سیزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۴/۰۳/۱۳۸۱

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3126>

بیانات در دیدار جوانان و فرهنگیان در مصالای رشت ۱۳۸۰/۰۲/۱۲

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3064>

سخنان مقام معظم رهبری در اجتماع بزرگ مردم اراک ۱۳۷۹/۰۸/۰۸

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3036>

بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان سراسر کشور به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار جهانی

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2508>

۱۳۷۰/۰۸/۱۵

سخنان مقام معظم رهبری در محفل انس با قرآن کریم (۱۴ فروردین ۱۴۰۱)

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2508>

سخنان مقام معظم رهبری در دیدار شرکت‌کنندگان در هفتمین اجلاس مجمع جهانی اهل بیت (۱۲ شهریور ۱۴۰۱)

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3036>

سخنان مقام معظم رهبری در دیدار پیشکسوتان و فرماندهان دفاع مقدس (۳۰ شهریور ۱۴۰۱)

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2508>

سخنان مقام معظم رهبری در دیدار صدها تن از زنان فرهیخته و فعال کشور (۱۴ دی ۱۴۰۱)

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2508>

سخنان مقام معظم رهبری در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی علیه‌السلام (اول فروردین ۱۴۰۲)

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252>

Alibabalu, S. S., & Sarkhanov, T. (2023). Iran's public diplomacy and religious soft power in Africa. *Politics and Religion Journal*, 17(2), 411-433.

Ang, I., Isar, Y. R., & Mar, P. (2015). Cultural diplomacy: Beyond the national interest? *International Journal of Cultural Policy*, 21(4), 365-381.

Azimzadeh Ardabili, M. M., Masoudnia, H., & Emamjomehzadeh, S. J. (2018). A constructivist analysis of Turkey's new foreign policy and competition with the Islamic Republic of Iran. *International Rela-*

tions Studies Quarterly, 10(38), 95-128. [in Persian]

- Bagheri Dolatabadi, A. (2024). Iran's cultural diplomacy in Uganda: A case study of Seyed Ibrahim Raisi's administration. *Journal of Politics and International Relations*, 7(1), 13.
- Balci, A. (2024). Drivers of Iran's Africa engagement: An analysis of high-level leadership visits. *Journal of Asian and African Studies*, 00219096241291060.
- Bettii, M. (2019). Exchange diplomacy: Theory, policy and practice in the Fulbright program. *Place Brand Public Diplomacy*, 16, 212-223.
- Clarke, D. (2016). Theorising the role of cultural products in cultural diplomacy from a cultural studies perspective. *International Journal of Cultural Policy*, 22(2), 147-163.
- Clarke, D., & Duber, P. (2020). Polish cultural diplomacy and historical memory: The case of the Museum of the Second World War in Gdańsk. *International Journal of Politics, Culture, and Society*, 33, 49-66. <https://doi.org/10.1007/s10767-018-9294-x>
- Cummings, M. C. (2003). *Cultural diplomacy and the United States government: A survey* (Cultural Diplomacy Research Series). Americans for the Arts.
- Cummings, M. C. (2009). *Cultural diplomacy and the United States government: A survey* (Cultural Diplomacy Research Series). Washington, DC.
- Farhikhtegan Newspaper. (2022). *Economic diplomacy*. <http://www.farhikhtegandaily.com> [in Persian]
- Ghazizadeh Hashemi, Z. S. (2023). The model of cultural diplomacy in the viewpoint of the Supreme Leader. *Strategic Studies of the Islamic Revolution*, 1(2), 143-164. <https://doi.org/10.22034/irsj.2024.426942.1021> [in Persian]
- Goff, P. M. (2013). Cultural diplomacy. In A. F. Cooper, J. Heine, & R. Thakur (Eds.), *The Oxford handbook of modern diplomacy* (pp. 1-19). Oxford University Press.
- Grincheva, N. (2022). Cultural diplomacy under the digital lockdown: Pandemic challenges and opportunities in museum diplomacy. *Place Brand Public Diplomacy*, 18, 8-11. <https://doi.org/10.1057/s41254-021-00237-z>
- Grincheva, N. (2024a). The past and future of cultural diplomacy. *International Journal of Cultural Policy*, 30(2), 172-191.
- Grincheva, N. (2024b). Digital cultural diplomacy: From content providers to opinion makers (pp. 194-211). In *Digital cultural diplomacy*. Oxford University Press.
- Gündüz, C., Rezaei, M., Quaglia, R., & Pironti, M. (2024). Culinary tourism: Exploring cultural diplomacy through gastronomy festivals in Turkey and Italy. *British Food Journal*, 126(7), 2621-2645.
- Holoborodko, O., Gerasymova, E., & Shevchenko, N. (2024). Effectiveness of cultural diplomacy in promoting common EU values. *Amazonia Investiga*, 13(79), 141-154.
- Keynoush, B. (2021). Iran's Africa-pivot policy. *Middle East Policy*, 28(34), 228-248.
- Kohnert, D. (2024). *Expanding horizons: Iran's strategic engagements in Sub-Saharan Africa-Insights from South Africa, Nigeria, and Tanzania*.

- Lugo, L. (2012). *The world's Muslims: Unity and diversity*. Pew Forum on Religious & Public Life. (Archived from the original on 11 August 2012).
- Majewski, P. B. (2024). The Janus face of Polish cultural diplomacy in Paris during the Khrushchev Thaw. *Arts*, 13(1), 7. <https://doi.org/10.3390/arts13010007>
- Minglei, W. (2024). Chinese cultural diplomacy in the 21st century: An analysis of China cultural centers. *China: An International Journal*, 22(4), 96-119.
- Mitchell, J. M. (1986). *International cultural relations*. Unwin Allen.
- Mokramipour, M. B., Baseri, R., & Laeighi, S. (2023). *Effective factors on the foreign policy of the Islamic Republic of Iran in the African continent*. [in Persian]
- Moradi, M., Mousavizadeh, A., Kazemi Zand, S. A., & Dehshiri, M. R. (2020). Iran's public diplomacy strategy in Africa. *Political Science Journal*, 16(1), 275-304. <https://doi.org/10.30497/pk.2020.2687> [in Persian]
- Moshirzadeh, H. (2007). *Transformation in international relations theories*. SAMT Publications. [in Persian]
- Motaghi, A., Rashidi, M., & Elahyaribak, H. (2013). Cultural geography and analysis of the foreign policy of the Islamic Republic of Iran from the perspective of constructivist geography. *Journal of Defense Policy*, 21(83), 121-145. [in Persian]
- Nurisnaeny, P. S., Kaprisma, H., & Suwedi, S. (2024). Cultural diplomacy and global challenges in G20 Indonesia 2022. *International Review of Humanities Studies*, 9(1), 2.
- Nye, J. (2011). *The future of power*. Public Affairs.
- Odeke, F. C. (2025). Igbo cultural diplomacy and peace building in pre-colonial Nigeria. *International Journal of Diplomacy and Economy*, 11(1), 29-43.
- Rasouli, M. (2023). *Scientific diplomacy*. IRNA News Agency. <http://www.irna.ir> [in Persian]
- Rijo Lopes da Cunha, M. M. (2024). Introduction: Music and cultural diplomacy in the Middle East-Geopolitical reconfigurations for the twenty-first century. In *Music and cultural diplomacy in the Middle East: Geopolitical re-configurations for the 21st century* (pp. 1-21). Springer International Publishing.
- Rosenau, J. N., Davis, V., & East, M. (1976). The analysis of international politics. *The American Political Science Review*, 70(4), 1232-1234.
- Samira, E. A., & Karfa, A. E. (2024). The role of cultural exchange in the development of intercultural competence in the context of cultural diplomacy. *Journal of Humanities and Social Sciences Studies*, 6(1), 62-70.
- Sazmand, B. (2005). A constructivist analysis of national identity during the imposed war. *National Studies Quarterly*, (22), 47-70. [in Persian]
- Shafiei, N., & Shariati, S. (2011). Analyzing the opportunities and challenges of Iran's observer membership in the African Union. *Journal of Political Science*, 3(8), 81-97. [in Persian]
- Shahedi, S. M. (2018). *Hawzah News*. <http://www.hawzahnews.com> [in Persian]

- Shariati, N. (2011). Analyzing the opportunities and challenges of Iran's observer membership in the African Union. *Journal of Political Science*, 3(8), 81-97. [in Persian]
- Statista. (n.d.). *Muslim population in Africa by country*. Retrieved from <https://www.statista.com/statistics/1368589/muslim-population-in-africa-by-country/>
- Supreme Leader of the Islamic Revolution. (1990, September 20). *Speech in a meeting with IRGC commanders*. <https://www.leader.ir> [in Persian]
- Supreme Leader of the Islamic Revolution. (1991a, February 20). *Speech in a meeting with Qom Seminary scholars and theologians*. <https://www.leader.ir> [in Persian]
- Supreme Leader of the Islamic Revolution. (1991b, November 6). *Statement in a meeting with a group of students on the occasion of the National Day Against Global Arrogance*. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2508> [in Persian]
- Supreme Leader of the Islamic Revolution. (1991c, November 18). *Speech in a meeting with clerics for Sunni affairs in Sistan and Baluchestan*. <https://www.leader.ir> [in Persian]
- Supreme Leader of the Islamic Revolution. (2000, November 15). *Speech in a grand gathering of the people of Arak*. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3036> [in Persian]
- Supreme Leader of the Islamic Revolution. (2002a, May 2). *Statement in a meeting with students and academics on the occasion of the National Day Against Global Arrogance*. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3064> [in Persian]
- Supreme Leader of the Islamic Revolution. (2002b, June 4). *Speech at the ceremony of the 13th anniversary of the demise of Imam Khomeini (RA)*. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3126> [in Persian]
- Supreme Leader of the Islamic Revolution. (2005a). *Statement in a meeting with youth of North Khorasan Province*. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252> [in Persian]
- Supreme Leader of the Islamic Revolution. (2005b, June 29). *Speech in a meeting with the President of Mali*. <https://www.leader.ir> [in Persian]
- Supreme Leader of the Islamic Revolution. (2005c, November 9). *Speech in a meeting with university academics of Semnan*. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3362> [in Persian]
- Supreme Leader of the Islamic Revolution. (2010, August 9). *Speech in a meeting with the President of Guinea-Bissau*. <https://www.leader.ir> [in Persian]
- Supreme Leader of the Islamic Revolution. (2022). *Speech in a gathering for intimacy with the Holy Quran*. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2508> [in Persian]
- Supreme Leader of the Islamic Revolution. (2022b, September 3). *Speech in a meeting with participants of the 7th Assembly of AhlulBayt World Forum*. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3036> [in Persian]
- Supreme Leader of the Islamic Revolution. (2022c, September 21). *Speech in a meeting with veterans and commanders of the Holy Defense*. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2508> [in Persian]

- Supreme Leader of the Islamic Revolution. (2023a, January 4). *Speech in a meeting with hundreds of intellectual and active women of the country*. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2508> [in Persian]
- Supreme Leader of the Islamic Revolution. (2023b, March 21). *Speech in a gathering of pilgrims and residents of the Holy Shrine of Imam Reza (AS)*. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252> [in Persian]
- Umińska-Woroniecka, A. (2016). Cultural diplomacy in international relations theory and studies on diplomacy. *Actual Problems of International Relations*, (2), 4-19.
- Xu, R., & von Flotow, L. (2025). A study of *Pathlight*: Literary cultural diplomacy in China today. *Perspectives*, 33(1), 201-214.
- Zamorano, M. M. (2016). Reframing cultural diplomacy: The instrumentalization of culture under the soft power theory. *Culture Unbound*, 8, 165-186.
- Zheng, D., & Liu, Y. (2024). China-Thai cultural diplomacy through the Buddhist Wat: A case study of the Thai Wat in Chaozhou Kaiyuan si, Guangdong. *Religions*, 15(11), 1365. <https://doi.org/10.3390/rel15111365>



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.